

LANGUE LANGUE LAN  
SPRACHE SPRACHE SPR  
LANGUE LANGUE LANG  
LANGUE LANGUE LANGUE  
CHESPRACHE SPRACHE  
JAGELANGUE LANGUE

زبان  
آواز  
زبان  
زبان

F

L

T

Journal



**Foreign Languages open doors to new horizons**

نشریه گروه زبانهای خارجی دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش تلفن ۴ - ۸۳۹۲۶۱ داخلی (۴۱)

تولید: واحد مجلات رشد تخصصی  
روی جلد: مینرا فرامرزی نیکنام  
صفحه آرا: خالد قهرمانی دهبکری

مجله رشد آموزش زبان هر سه ماه یک بار به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و آشنایی آنان با شیوه‌های صحیح تدریس زبان منتشر می‌شود.

## فهرست

۳	سخنی با خوانندگان
۴	جملات شرطی احمد عالی
۱۲	اخبار گروهها
۱۶	رشد و معلم
۲۱	معرفی کتاب
۲۲	نکته‌ها
۲۴	اختلالات گفتار زبان در دانش آموز دکتر نیلی پور
۲۶	صامت‌های میانجی در زبان فرانسه دکتر سیدحامد رضیثی
۳۱	آموزش زبان آلمانی به کمک روش تکمیلی تستهای چند گزینه‌ای مقدمه‌ای پرشناخت روش Verfahren - Multiple - choice مهندس علی اصغر شجاعی
۳۲	حروف اضافه در زبان آلمانی دکتر محمد ظروفی
35	گروه زبان انگلیسی It's Easy to Increase Your Vocabulary
36	Crossword Puzzel No. 3
39	دکتر فقیه Teaching Reading
41	سعید آصف‌زاده How to Benfeit our Talents

## سخنی با خوانندگان

قبل از هر چیز از تأخیری که در انتشار نهمین شماره مجله رشد زبان پیش آمد بوزش می‌طلبیم. فعلاً نیازی به بیان علل تأخیر نیست، چرا که اگر مجله‌ای را که در اختیار دارید دارای محتوای غنی و راضی کننده باند می‌توان تأخیر در انتشار را به حسن محتوای آن بخشید. اما اینکه آیا محتوا آنگونه است که این قصور را جبران کند موردی است که قضاوت درباره آن با شماست و انشاءالله که چنین باشد. اساساً تهیه و تدوین مجله رشد زبان و ارائه بموقع آن تا حدود زیادی به همکاری نویسندگان و خوانندگان ارجمند وابستگی دارد. ارسال بموقع مقالات، نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما، دست تهیه کنندگان را در انتخاب مطالب تمربخش باز نگه می‌دارد و عدم این همکاری، مجله را از برخورداری از مجموعه‌ای غنی و متنوع محروم می‌سازد. با توجه به آنچه گفتیم بار دیگر ضرورت همکاری شما را در هر چه بر بارتر کردن مجله مورد تأکید قرار می‌دهیم و امیدواریم که لطف خود را از ما دریغ نفرمایید.

در این شماره مقالاتی تحت عنوان زیر درج گردیده است:  
۱ - «Reading» این مقاله نوشته آقای دکتر اسماعیل فقیه است که در مورد تکنیکها و شگردهای مهارت خواندن در زبان انگلیسی گفتگو می‌کند.

۲ - «اختلال گفتار و زبان در دانش آموزان» نوشته آقای دکتر نیلی پور که در آن به ضعفهای ادراکی دانش آموزان اشاره می‌کند و تاثیر آنها را در گویایی فرد بر می‌شمارد.

۳ - «جملات شرطی» (if clauses)، نوشته آقای احمد عالی که بر اساس مطالب کتاب درسی سوم دبیرستان تهیه شده است.

۴ - «نکته‌ها»، در این بخش چند قطعه شعر به زبان انگلیسی و آلمانی آورده شده است تا به عنوان وسیله‌ای برای پرورش ذوق دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

۵ - «رشد و معلم»، عنوان جدیدی است که منعکس کننده نظرات، تجربیات دبیران محترم زبان انگلیسی می‌باشد.

۶ - در بخش زبان آلمانی و فرانسه نیز مطالبی با عناوین آموزش زبان آلمانی به کمک روش تکمیلی تستهای چند گزینه‌ای، و صامت‌های میانجی در زبان فرانسه مورد بحث قرار گرفته است. امید است این مجموعه مورد پسند و قبول خواننده عزیز قرار گیرد و همچون گذشته از ارسال نظرات سازنده و اصلاحی نیز دریغ نفرمایند.

گروه کارشناسی زبان

## Conditional Sentences

# جملات شرطی

'If' and 'An' spoils many a good charter.

احمد عالی - کارشناس زبان انگلیسی  
دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف

می‌دانید که راههای دیگری نیز برای بیان موارد بالا وجود دارد که جملات شرطی می‌توانند یکی از این راهها باشند. ساختارهای مختلف جملات شرطی هر جمله شرطی از دو (Clause) تشکیل شده است. ۱ - عبارت وابسته (dependent clause) (شرط) ۲ - عبارت اصلی (main clause) (نتیجه شرط)

If you come to school, (dependent clause)  
I'll introduce you to the principal (main clause)

جمله بالا را می‌توان بفرم زیر نیز بیان کرد.

I'll introduce you to the principal if you come to school.

در زبان انگلیسی سه نوع جمله شرطی وجود دارد. هر کدام از اشکال شرطی:

الف. معنی متفاوتی با دو فرم دیگر دارد. ب. هر فرم زمان متفاوتی را نشان می‌دهد. ج. هر کدام با ترکیبات خاصی از شکل افعال گفته می‌شود. به مثالهای زیر توجه کنید.

If I have any free time, I will meet<sup>1</sup> with you.  
If I had any free time, I could meet with you.  
If I had had any free time, I could have met with you.

1) having a meeting with

انگلیسی زبانان در محاورات و مکاتبات از جملات شرطی برای منظوره‌های مختلفی استفاده می‌کنند. برای نمونه میتوان موارد زیر را بیان کرد.

۱. پیشگونی یا پیش‌بینی کردن موضوع یا مطلبی.

If I study hard this year, I will get good grades in every subject.

۲. مطرح نمودن یا بیان اشتباهی که در گذشته انجام شده است.

If my son had studied more last year, he wouldn't have failed geometry

۳. بیان آرزوها و خواسته‌ها

I wish I had a large farm.  
I wish my parents were here.  
If I were rich, I would travel around the world.

۴. برای اظهار عقیده یا نصیحت کردن

If I were you, I would take the most of my time and study instead of wasting it.  
If wishes were horses, beggars would ride.  
If at first you don't succeed, try try, try again.

۵. عذرخواهی

If I had known you were waiting for a call, I would not have stayed on the phone so long.

2 - if + present + may (اجازه) / can (اجازه یا توانائی انجام کار)  
 If you have finished your homework, you may leave the school.

If winter comes, can spring be far behind?

3 - if + present + must, should (هر اصطلاحی که دستور، تقاضا و یا نصیحت را برساند)

If you want to go to that island you must / should rent a boat.

If your brother likes to speak English, he had better attend the class regularly.

If you see Mr Irani could you ask him to drop me?

4 - if + present حال ساده دیگری

در چنین حالتی که دو زمان حال ساده گفته می شود نشان دهنده عادت و یا نتیجه قطعی است که بدست می آید:

If I eat cheese, it gives me indigestions.

If water freezes, it turns to ice.

If it is only ten o'clock, we still have time to catch the train.

یادآوری: باید دقت کرد چنانچه عبارت اصلی حالت دستوری یا راهنمایی داشته باشد بجای زمان آینده از حالت امری استفاده می شود.

If you get a chance to speak to him, ask him how his family are getting on.

همانطور که در مثالها مشاهده فرمودید می توان بجای حال ساده از زمان حال استمراری برای نشان دادن عمل در زمان حال و یا آینده استفاده کرد مانند:

If you are waiting for a bus, you had better join the queue. (عمل در زمان حال است)

If you are staying for another night,

I will ask the manager to give you a better room.

(انجام عمل در آینده)

If you have finished dinner, I'll ask the waiter for the bill. زمان حال کامل

If he has written the letter, I'll post it for him.

If you haven't seen the museum, you had better go there today.

یادآوری: چنانچه seeing that / since / as با جمله اظهاریه ای که قبلاً گفته شد و مفهوم آن کاملاً روشن است آورده شوند می توان بجای این کلمات از کلمه if استفاده کرد و ناگفته نماند که این نوع جملات، شرطی نیستند بلکه آنها را Clauses of Reason می گویند.

As / Since / Seeing that you don't like to study German, why did you study it?

جمله بالا را می توان بشکل زیر هم نوشت

اکنون به بررسی هر یک از اشکال جملات شرطی می پردازیم:  
 شرطی نوع اول، که بفارسی آینده واقعی یا متحمل ترجمه شده در زبان انگلیسی و کتابهای مختلف دستوری بنامهای Probable, Open Condition, Future Real, Present Real و یا Real situation نوشته شده است.

این نوع جمله شرطی زمانی بکار میرود که گوینده بخواهد نشان دهد که کاری قطعاً انجام خواهد گرفت مشروط به اینکه «فعل» جمله شرط عملی شود. مثلاً در جمله

If he goes to Shiraz, he will see Farshid.

گوینده پیش بینی می کند که چنانچه رفتن به شیراز صورت گیرد، دیدن فرشید قطعی است. «نباید از موانع احتمالی و استثنائی که ممکن است مانع از انجام فعل جمله 'if' شود نام برد.»

ترکیب زمانهای دو قسمت جمله شرطی نوع اول چنین است:

نوع جمله شرطی	شرط	نتیجه شرط
Real	if + present tense goes	will, shall, may, can + اول فعل will see

چند مثال دیگر:

- 1) If the devil find a man idle, he'll set him to work.
- 2) If it has stopped snowing by tomorrow, we will drive to Ilam.
- 3) If he has already turned the heat on, the room will be warm enough to stay longer.
- 4) If it is snowing when our class is over this afternoon, we won't have physical training exam.

یادآوری: انتخاب و استفاده از زمانهای مختلف حال بستگی به قیود زمان مورد نظر دارد. مثلاً If he is studying منظور حال است و قید زمان در جمله .... If he has been studying شروع کار (درس خواندن) را از آخرین امتحان نشان می دهد.

به همین ترتیب استفاده از افعال کمکی و (modal) با توجه به مفهوم هر یک باید صورت گیرد: مثلاً he will pass the test .... (یعنی او قبول خواهد شد و در ذهن من که گوینده هستم هیچ شکئی در این مورد وجود ندارد.)

افعال modal در جملات دارای معانی خاص خود هستند و هر کدام از آنها برای منظوری بکار می روند که جملات زیر مثالهایی از این قبیل است.

1 - if + present + may / might (امکان)  
 Even if he passes in English, he may / might fail in mathematics. (شاید که مردود شود)

other person always waited for you to begin, you see nobody would ever say anything.

و یا این جمله که نشان می‌دهد گوینده قصد انجام عمل جمله شرط را در زمان آینده ندارد.

If I dyed my hair blue everyone would laugh at me.

در جمله بالا گوینده صحبت از آینده می‌کند و ضمناً قصد هم ندارد که کار را انجام دهد.

گاهی اوقات مفهوم جمله می‌تواند هر کدام از دو مورد بالا باشد. مثلاً  
If my son left his bicycle outside the house, someone would steal it.

مفهوم عبارت «if my son left his bicycle» می‌تواند عطف به زمان حال باشد یعنی اینکه او اینکار را نمی‌کند و یا اینکه در آینده اینکار را نخواهد کرد. اما باید توجه داشت که برداشت صحیح‌تر از مفهوم جمله از کل متن بدست می‌آید والا یک تک جمله نمی‌تواند مفهوم صحیح را بیان کند، می‌توان از might یا could بجای would استفاده کرد. هر یک از کلمات فوق در جمله معنی خاص خود را خواهند داشت.

If you tried again, you would succeed. (نتیجه قطعی)

If you tried again, you might succeed. (نتیجه محتمل)

If I knew her number, I could ring her up. (توانایی)

If he had a permit, he could get a job. (توانایی یا اجازه)

همانطور که در نوع اول برای نشان دادن نتیجه منطقی شرط از

زمان حال ساده بجای آینده استفاده می‌شود در اینجا نیز می‌توان بجای would همراه قسمت اول فعل از زمان گذشته استفاده کرد. باید توجه داشت که زمان گذشته در این حالت مفهوم واقعی خود را دارد.

If anyone interrupted him he got angry.

(یعنی هر وقت کسی حرف او را قطع می‌کرد عصبانی می‌شد.)

جملات شرطی نوع سوم: این نوع جملات شرطی را Past Unreal, Unrealized Situation, Imaginary Condition می‌نامند.

در این نوع جملات بدلیل انجام نگرفتن فعل شرط در گذشته نتیجه‌ای هم بدست نیامده است.

If I had known that you were coming, I would have met you at the airport.

گوینده می‌خواهد بگوید که علت عدم حضورش در فرودگاه باین دلیل بوده که نمی‌دانسته مخاطبش می‌آمده است.

همانطور که از جمله بالا پیداست. در قسمت اول از زمان گذشته کامل و در قسمت دوم یعنی نتیجه شرط از (قسمت سوم فعل + would have) استفاده می‌شود.

ترکیب زمان افعال و دو قسمت جملات شرطی نوع سوم چنین است.

If you don't like to study German why did you study it?

این مطلب برای جملات نوع دوم هم می‌تواند صادق باشد:

The pills made him dizzy. All the same he thought / has thought is buying some more?

بجای جمله بالا می‌توان گفت:

If they (the pills) made him dizzy why did he buy / has he bought / is he buying some more?

شرطی نوع دوم: جملات شرطی نوع دوم را بنامهای Rejected Condition, Present Unreal می‌نامند. این نوع جملات را وقتی بکار می‌برند که شرط در گذشته صورت نگرفته و نتیجه آن در زمان حال نیز منفی است. مثلاً وقتی که می‌گوئیم «متأسفم وقت آزاد ندارم. مفهومش این است که «اگر وقت داشتیم...» باید توجه داشت اگر چه زمان افعال در این نوع جملات گذشته است، اما مفهوم و معنی آن بر زمان حال دلالت دارد و نباید با جملات گذشته اشتباه شوند. هیچ تفاوتی از نظر زمان بین جملات نوع اول و نوع دوم وجود ندارد.

هر دو نوع برای حال و آینده بکار می‌روند. ترکیبات زمانی که در این نوع جملات بکار می‌روند عبارتند از:

نوع جمله	شرط	نتیجه شرط
unreal	گذشته ساده گذشته استمراری + if could, had to	قسمت اول فعل + would, could should, might

جملات شرطی نوع دوم را در موارد زیر بکار می‌برند:  
۱ - وقتی که گمان یا تصور یا فرض، خلاف چیز است که در زمان سخن گفتن از آن وجود دارد.

If Reza studied, he would pass the test.

جمله بالا نشان می‌دهد که رضا در امتحان موفق نشد. مثالهای دیگری از این نوع

If he spent more time studying, he would speak English better.

If he presented the situation clearly, he might receive a more sympathetic response.

If John could study, he could pass the test.

۲ - وقتی که گوینده مایل است شرط واقع نشود. در واقع آرزو می‌کند که هیچ اتفاقی رخ ندهد یا اینکه قصد انجام را نیز ندارد.

If you only spoke when you were spoken to, and the

حال با توجه به مطالب گفته شد. تمرینات زیر می‌تواند سودمند باشد قبل از مطالعه و حل تمرینات لطفاً دستورالعمل بر تمرین را بدقت مطالعه فرمائید.

### if-clause type 1

Charlotte works for an advertising company. She's made some notes about different products. Write sentences with *if* + the simple present + *will* to advertise the products.

#### Examples

*Wash your hair with Glam-it'll look super.*

*If you wash your hair with Glam,it'll looks super feel better - take Panadex*

*You'll feel better if you take Panadex.*

- 1 choose a Sunspot holiday - have a great time
- 2 sleep a lot better - sleep in a Dreamway bed
- 3 people notice you - wear Rodeo jeans
- 4 shop at Kwikbuy - save money
- 5 use Luxidor paint - your house looks beautiful
- 6 know what's happening - read the Daily Talk
- 7 wash with Whizz - your clothes cleaner
- 8 drive a Delta - not want to drive any other car

### B. if-clause type 2

Amanda is a secretary. She's grumbling about her new job and her boss. Match each sentence in the first box with one in the second. Rewrite the sentences using *if*+the simple past tense + *would* / *could*.

#### Examples

*If my boss didn't play golf, he wouldn't be out of the office so much.*

*If he told me where he was, I could contact him.*

My boss plays golf.

He doesn't tell me where he is.

- 1 The pay isn't good.
- 2 He gives me so much work.
- 3 His writing is so awful.
- 4 He doesn't listen to me.
- 5 The offices are such a long way from here.
- 6 There aren't any cafés nearby.

جمله شرطی نوع ۳	شرط	نتیجه شرط
Unrealized	If + past perfect had gone	would, should, might, could + have + past + participle would have visited

مثالهای دیگری از نوع سوم

If the doctor had arrived earlier, he could have saved the boy's life. (توانایی)

If the doctor had arrived earlier, he might have saved the boy's life. (توانایی و با اجازه)

If our documents had been in order, we could have left at once. (امکان)

ترکیب دو نوع جمله شرطی یعنی نوع دوم و سوم با هم نیز امکان پذیر است.

The plane intended to catch crashed and everyone was killed. If I had caught that plane

I would be dead now. 3

I would have been dead. 3

یا می‌توان گفت:

مثال دیگر

If I had worked harder at school, I would be sitting in a comfortable office now; I wouldn't be sweeping the streets.

در جملات شرطی نوع سوم *had* می‌تواند بجای *if* قرار گیرد و کلمه *if* حذف شود.

If he had studied harder he would have passed the examination → Had he studied harder he would have passed the examination.

در این قسمت تعدادی جمله شرطی و چند تمرین آمده است. جملات عمدتاً ضرب‌المثل‌اند که بنظر نگارنده می‌تواند در کلاس مورد استفاده قرار گیرد.

1. If wishes were horses, beggars would ride.
2. If wishes were butter-cakes, beggars would bite.
3. If wishes were thrushes, then beggars would eat birds.
4. If the lad go to the well against his will, either the can will break or the water will spill.
5. If we have not the world's wealth, we have the world's ease.
6. If at first you don't succeed, try, try, try again.
7. If you want peace you must prepare for war.
8. If the dog is not at home, he barks not.
9. If a person is away, his right is away.
10. If the blind lead the blind, both shall fall into the ditch.

(have) a lot of money, wouldn't we? I'm sure if people (know) exactly what things were like in Omagua, they (want) to help.

**Interviewer** And are you hopeful that people will send money?

**Hilary** Oh, yes. If people (hear) about the problem, as they're doing now, then they (help), I'm sure. They always have done before.

**Interviewer** Is there still time to get food and money to the people who need it, Miss Lester?

**Hilary** Oh, yes. We'll put the money to good use immediately. If people (post) money to us tomorrow, the food (be) in Omagua by the end of the week.

**Interviewer** Well, it's certainly a good thing that you're able to help the Omaguans. If your organization (not exist), things (be) much less hopeful. Now, can you tell us the address where people should send money?...

### If-clause type 3

Below is the story of what happened when four people went on a long walk last week. Read the story and rewrite the underlined parts using if-clauses type 3.

#### Examples

*If it hadn't rained most of the morning, it would have been a pleasant walk.*

*They wouldn't have decided to go if the forecast had been bad.*

Last Saturday Trevor, Alison, Gary and Emma went on a twenty-mile walk over the Norland Hills. Trevor likes walking, and it was his idea. They walked from Oscroft at the eastern end of the hills to Raveley in the west. The day didn't go at all as planned. It rained most of the morning, so it wasn't a very pleasant walk. The weather is often wet in the Norland Hills, in fact. But they decided to go because the forecast wasn't bad. Trevor and Alison wore their anoraks, but Gary and Emma got wet because they didn't have their anoraks. The four friends had other problems too. They forgot to bring a map, and they lost the way. They wanted to stop for lunch in the village of Rydale. They finally got there at two o'clock. They were late because they

I can't afford a nicer flat.  
I can't contact him.  
I can't read it.  
I have to tell him everything twice.  
I have to stay late.  
I have to take sandwiches.  
I spend so much time on the bus.  
He's out of the the office so much.

### if-clauses types 1 and 2

Hilary Lester works for an organization called Food for the Third World. She's talking on television about the situation in Omagua. Put the verbs in brackets into the correct tense, or use will or would or their short forms.

**Interviewer** Miss Lester, what is the situation in Omagua?

**Hilary** Well, it's very bad. Thousands of people have died, and thousands more (die) soon if they (not get) help. The people have very little food or water. And if we (not do) something soon, things (get) much worse. There will simply be nothing left to eat.

**Interviewer** Is the British government doing anything to help? If they (send) food, that (help) to save lives, wouldn't it? After all, Omagua was once a British colony.

**Hilary** Yes, indeed, And the country is very poor, of course. But our government refuses to do anything quickly. They say they need time to find out about the problem. But we haven't got any time. It (be) too late if they (not do) something soon.

**Interviewer** Well, it doesn't look as if Omagua is going to get any help for the moment. So what next? What (happen) if the country (not get) enough food or enough money to buy food?

**Hilary** Well, if our government (not be) willing to help, we (have to) ask people to send us money. In fact, we're asking them now.

**Interviewer** How much are you asking people to give?

**Hilary** We're asking them just to send what they can. Even small amounts will be welcome. We (be) very grateful if people (send) what they can afford. After all, if everyone in the country (give) just 10P, we



use the High Street.

**Martin** Don't forget that if you (improve) the road system, then the traffic may simply increase. Or you'll just move the problem to another town.

**Angela** But look at the situation now – dozens of lorries moving very slowly through the town. It (save) a lot of time if they travelled more quickly along by pass.

**Martin** The by-pass would use up good farmland that we can't afford to lose.

**Lynn** The route goes right through Gordon Bentley's farm. It (cut) his farm in two if they build it there. He only bought the farm three years ago.

**David** Well, if that (happen), they'd pay him for the land.

**Lynn** He told me yesterday he (not buy) the farm in the first place if he (know).

**Angela** But a by-pass is for the whole town.

**Lynn** Well, if I (be) Gordon, I (be) angry about it.

**David** I'm angry now about the traffic in the High Street. If they (not give) us a by-pass, there'll be trouble, I can tell you.

## F.

### If + the simple present tense + the simple present tense

There are some 'laws of life' hidden in this table. For each sentence on the left, there is one on the right that follows on from it. Find the pairs of sentences and write the laws. Use *if* and the simple present tense.

#### Example

*If something begins well, it often ends badly.*

Something begins well.	They're usually short.
You've got a job to do.	You're probably wrong.
You're in an accident.	You usually make it worse.
You want to buy something.	It often ends badly.
You're absolutely sure about something.	It always takes longer than you think.
You type your own letters.	It's the other person's fault.
You try to make a difficult situation better.	They usually don't make it any more.

didn't go the right way. They had planned to eat at the café in Rydale, but they weren't able to eat there because the cafe was closed for the day. It was very annoying. They didn't have any food with them, so they were hungry. But the weather was better by this time, and they decided to go on to Raveley. Five miles further on Alison had an accident. She fell and hurt leg. So they had to go more slowly after that. They lost even more time. They missed their bus home because they got to Raveley so late. There wasn't any other transport, so they rang their friend Adam. Luckily he was at home, so he was able to come and fetch them in his car. They were glad to get home.

## E.

### if-clauses types 1 – 3

David, Lynn, Angela and Martin live in a town on a busy main road. They're talking about a plan to build a by-pass round the town.

Complete the conversation by putting the verbs in brackets into the correct form. Use *will* or *would* if necessary.

**David** I think a new road is a good idea. It (keep) the traffic out of the town if they build a by-pass. The traffic in the High Street is terrible. If they'd had any sense, they (build) a by-pass years ago.

**Lynn** But what about the shopkeepers? If there was a by-pass, then people (not stop) here. And there'll be fewer customers in the shops if there (be) less traffic in the town.

**Angela** I don't agree. I think more people (want) to shop here if it's quieter and pleasanter.

**Martin** Tourists (not come) into the town if there's a by-pass.

**David** If the High Street (be) less busy, it would be a lot easier to cross the road.

**Angela** There (be) less noise if there were fewer heavy lorries.

**David** And the traffic doesn't do the buildings any good. Everything shakes when a heavy lorry goes past. Do you remember those old houses in West Street? They had to knock them down because of damage by lorries. If there (be) a new road ten years ago, they (not have to) do that. And cyclists have been knocked off their bikes by lorries. One man was killed. That (not happen) if the lorries hadn't had to

*we'll have* to ask people to send us money. In fact, we're asking them now.

How much are you asking people to give?

We're asking them just to send what they can. Even small amounts will be welcome. We'll *be*/We'd *be* very grateful if people *send/sent* what they can afford. After all, if everyone in the country gave just 10p, we'd *have* a lot of money, wouldn't we? I'm sure if people *knew* exactly what things were like in Omagua, they'd *want* to help.

And are you hopeful that people will send money?

Oh, yes. If people *hear* about the problem, as they're *doing* now, then *they'll help*, I'm sure. They always have done before.

Is there still time to get food and money to the people who need it. Miss Lester?

Oh, yes. We'll put the money to good use immediately. If people *post* money to us tomorrow, the food *will be* in Omagua by the end of the week.

Well, it's certainly a good thing that you're able to help the Omaguans. If your organization *didn't exist*, things *would be* much less hopeful. Now, can you tell the address where people should send money?...

D.

Gary and Emma wouldn't have got wet if they had had their anoraks.

If they hadn't forgotten to bring a map, they wouldn't have lost the way.

They wouldn't have been late if they had gone the right way.

They would have been able to eat at the café if it hadn't been closed.

If they had had some food with them, they wouldn't have been hungry.

If Alison hadn't fallen and hurt her leg, they wouldn't have had to go more slowly.

They wouldn't have missed their bus home if they hadn't got to Raveley so late.

If Adam hadn't been at home, he wouldn't have been able to come and fetch them in his car.

E

I think a new road is a good idea. It'll *keep* the traffic out of the town if they build a by-pass. The traffic in the High Street is terrible. If they'd had any sense, they'd have *built* a by-pass years ago.

But what about the shopkeepers? If there was a

**Answers:**

A.

- 1 If you choose a Sunspot holiday, you'll have a great time.
- 2 You'll sleep a lot better if you sleep in a Dreamway bed.
- 3 People will notice you if you wear Rodeo jeans.
- 4 If you shop at Kwikbuy, you'll save money.
- 5 If you use Luxidor Paint, your house will look beautiful.
- 6 You'll know what's happening if you read the Daily Talk.
- 7 If you wash with Whiss, your clothes will be cleaner.
- 8 If you drive a Delta, you won't want to drive any other car.

B.

- 1 If the pay was good. I could afford a nicer flat.
- 2 If my boss didn't give me so much work, I wouldn't have to stay late.
- 3 If his writing wasn't so awful, I could read it.
- 4 If he listened to me, I wouldn't have to tell him everything twice.
- 5 If the offices weren't such a long way from here, I wouldn't spend so much time on the bus.
- 6 If there were some cafés nearby, I wouldn't have to take sandwiches.

C.

Miss Lester, what is the situation in Omagua?

Well, it's very bad. Thousands of people have died, and thousands more *will die soon if they don't get* help. The people have very little food or water. And if we *don't do* something soon, things *will get* much worse. There will simply be nothing left to eat.

Is the British government doing anything to help? If they *sent* food, that *would help* to save lives, wouldn't it? After all, Omagua was once a British colony.

Yes, indeed. And the country is very poor. Of course. But our government refuses to do anything quickly. They say they need time to find out about the problem. But we haven't got any time. It will be too late if they *don't do* something soon.

Well, it doesn't look as if Omagua is going to get any help for the moment. So what next? What *will happen* if the Country *doesn't get* enough food or enough money to buy food?

Well, if our government *isn't willing* to help,

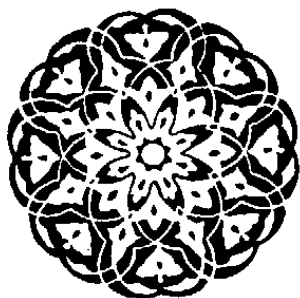
If you type your own letters, they're usually short.  
If you try to make a difficult situation better, you usually make it worse.

### References

1. Irwin Feigenbaum, the Grammar Handbook 1985, Oxford University Press.
2. A.J. Thomson, Mortinet, A Practical English Grammar 1986 Fourth edition Oxford University Press
3. Goofrey Leech, Svartvik, A Communicative Grammar of English 1983 Longman.
4. John Eastwood, A Basic English Grammar 1983 Oxford University Press.
5. Tipping, Matriculation English Grammar of Modern English Usage. 1961 Macmilan.
6. Rosalind Fergusson, the Penguin Dictionary of Proverbs, 1984.
7. F.T. Wood. A Remedial English Grammar for Foreign Students 1969 Macmilan.
8. Carroll Washington Pollock, Communicate what you mean 1982 Prentice - Hall.

۹. کتاب انگلیسی سال سوم دبیرستان - وزارت آموزش و

پرورش



by-pass, then people wouldn't stop here. And there'll be fewer customers in the shops if there's less traffic in the town.

I don't agree. I think more people *will want* to shop here if it's quieter and pleasanter.

Tourists *won't* come into the town if there's a by-pass.

If the High Street *was* less busy, it would be a lot easier to cross the road.

There'd *be less* noise if there were fewer heavy lorries.

And the traffic doesn't do the buildings any good. Everything shakes when a heavy lorry goes past. Do you remember those old houses in West Street? They had to knock them down because of damage by lorries. If there'd *been* a new road ten years ago, they *wouldn't have had* to do that. And cyclists have been knocked off their bikes by lorries. One man was killed. That *wouldn't have* happened if the lorries hadn't had to use the High Street.

Don't forget that if you *improve* the road system, then the traffic may simply increase. Or you'll just move the problem to another town.

But look at the situation now - dozens of lorries moving very slowly through the town. It *would save* a lot of time if they travelled more quickly along a by-pass.

The by-pass would use up good farmland that we can't afford to lose.

The route goes right through Gordon Bentley's farm. It'll *cut* his farm in two if they build it there. He only bought the farm three years ago.

Well, if that *happened*, they'd pay him for the land. He told me yesterday he *wouldn't* have *bought* the farm in the first place if *he'd* known.

But a by-pass is for the whole town.

Well, if I was Gordon, I'd *be* angry about it.

I'm angry now about the traffic in the High Street. If they *don't give* us a by-pass, there'll be trouble, I can tell you.

F

If you've got a job to do, it always takes longer than you think.

If you're in an accident, it's the other person's fault. If you want to buy something, they usually don't make it any more.

If you're absolutely sure about something, you're probably wrong.

# فعالیت‌های گروه‌ها

## اخبار گروه انگلیسی

\* گروه زبان انگلیسی به منظور ارتقاء سطح علمی دبیران اقدام به برگزاری سخنرانی‌های علمی نمود. اولین سخنران آقای دکتر فرهادی عضو انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیسی در باره «نقدی بر تست‌های کتابهای درسی» در تاریخ دوم دیماه.

دومین سخنران آقای دکتر وثوقی در باره «چگونگی تدریس کتابهای درسی» تاریخ اول بهمن ماه، سومین سخنران خانم دکتر مینو ورزگر در باره «چگونگی تدریس متون قرائتی» در تاریخ ۲۸ بهمن ماه سخنرانی کردند. در جلسات آینده آقای دکتر عباس عبدالهی در باره «چگونگی تدریس مکالمه» آقای دکتر ضیاء حسینی در باره «روش چیست»، آقای دکتر اسماعیل افشار نادری در باره «گرامر و آموزش زبان» و آقای دکتر مفتون در باره «چگونگی تدریس گرامر» سخنرانی خواهند داشت. لازم به تذکر است که استقبال همکاران از جلسات سخنرانیها بیانگر این واقعیت بود که نیاز مبرم دبیران به ایجاد کلاسهای بازآموزی از سوی آموزش ضمن خدمت در جهت رفع مشکلات آموزشی و آگاهی از نحوه تدریس و پیشرفتهای علمی در این زمینه احساس می‌شود.

\* کتابهای درسی زبان انگلیسی چاپ ۶۶ پس از تصحیح اشکالات چاپی با تغییرات بسیار جزئی برای سال تحصیلی ۶۸-۶۷ به دفتر چاپ و توزیع تحویل گردید.

\* از آنجایی که هدف گروه زبان انگلیسی کمک و یاری به دبیران در جهت ارتقا سطح علمی آنانست با وجود تراکم بیش از حد کار شرکت در جلسات گروههای آموزشی را در اولویت قرار داد و تا آنجا که زمان اجازه می‌داد به دعوت گروههای آموزشی، کارشناسان

این دفتر در جلسات شرکت کردند و به سؤالات دبیران پاسخ گفتند. صرف نظر از شرکت کارشناسان در جلسات مناطق مختلف تهران و کرج گروه زبان انگلیسی طی چهار جلسه که ماهانه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی سالن شهید رجایی برگزار شد شرکت و به توجیه کتابها پرداختند. همچنین بدعوت اداره کل آموزش و پرورش هرمزگان و شیراز کارشناس دفتر به این استانها رفته و در جلسات آموزشی شرکت و به سؤالات مربوط به کتب دبیرستان پاسخ گفت.

\* گروه زبان انگلیسی اقدام به توزیع سه کتاب مرجع نمود  
کتاب اول: Basic English Usage  
Michael Swan  
کتاب دوم: A Basic English Grammar  
John Eastwood Ronald Mackin  
کتاب سوم: An English Pronunciation Companion  
A.C.Gimson and S.M. Ramsaran

کتاب اخیر دارای یک کاست است که در پژوهش امور هنری تکثیر و به همراه کتابها در اختیار دبیران تهرانی و شهرستانهای محروم گذارده شد.

\* اتمام کار توزیع فرهنگهای آکسفورد. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در سال ۶۳ اقدام به تهیه و توزیع ۵۰۰ جلد کتاب فوق نمود که بین متقاضیان توزیع شد. بعلت استقبال دبیران و درخواست مکرر متقاضیان این کتاب، گروه زبان دفتر تحقیقات پس از تلاش فراوان موفق به خرید ۹۹۰ جلد دیگر شد که آنها را بیز: متقاضیانی که قبلاً ثبت نام کرده بودند توزیع نمود.

و مابقی را نیز به مناطق محروم کشور که ذیلاً اسامی آنها خواهد آمد اختصاص داد.

۱ - اردکان ۲ - ایرانشهر ۳ - بافت ۴ - بافق ۵ - بانه

## WORD STUDY 2

Fill in the blank below. (page 31) test one

### 6. There's an eraser on this PENCIL

#### Exercise A (page 46)

Rewrite these sentences with "would" or "used to".....

1. Now Larry often writes.....
2. Years ago I would swim almost every day.
3. Mr Ahmady very often works late.
4. When he was young, he would often help the poor.
5. He would eat simple food and wear coarse dress.
6. When I was at school, I used to study (every night).
7. A well - known person lives.....
8. Now Ali often comes.....
9. He would give to the poor and the needy whatever he had
10. They wait for.....

\*\*\*

#### Instructions and Answers

##### Some Good Luck

1.c 2.d 3.d 4.b 5.a 6.c 7.b 8.a 9.c  
10.d 11.a 12.b

##### Exercise A. Page 12

1. on, in 2. above 3. into, on 4. at;  
at 5. on, in 6. between 7. around 8. over  
9. in, at 10. on, at 11. on 12. from, at  
13. toward 14. on top of 15. in 16. at the top of  
17. at, in front of 18. across, into 19. through  
20. over, under

##### II. Vocabulary (Test one)

1.c 2.d 3.b 4.c 5.a 6.a 7.b 8.c 9.d 10.c  
11.b 12.a 13.b 14.d 15.b 16.d 17.d 18.b  
19.a 20.b

##### Structure

1.c 2.d 3.c 4.c 5.a 6.d 7.d 8.b 9.a  
10.c 11.a 12.b 13.d 14.b 15.b 16.d 17.b  
18.c 19.c 20.a

##### Lesson nine Exercises

1. Supply much or very in the ....  
1. much 2. very 3. much 4. much 5. very 6. very, much  
7. much 8. much 9. much 10. much

##### Test Two Vocabulary Page 57

1.b 2.c 3.d 4.c 5.a 6.c 7.d 8.b 9.c  
10.c 11.d 12.d 13.c 14.b 15.c

##### Structure IV.

۶ - بم ۷ - بروجن ۸ - بندر لنگه ۹ - بندر بوشهر ۱۰ - بیجار  
۱۱ - تفت ۱۲ - تنگستان ۱۳ - تایباد ۱۴ - چاه بهار ۱۵ - خاش  
۱۶ - دشتستان ۱۷ - دشتی ۱۸ - دیر ۱۹ - زابل ۲۰ - راور  
۲۱ - سراوان ۲۲ - سقز ۲۳ - سیرجان ۲۴ - فارسان  
۲۵ - فردوس ۲۶ - فسا ۲۷ - قروه ۲۸ - قشم ۲۹ - کامیاران  
۳۰ - کنگان ۳۱ - گناوه ۳۲ - لردگان ۳۳ - مریوان ۳۴ - مهریز  
۳۵ - ملایر ۳۶ - لار

\* به منظور هماهنگی در پاسخ به سئوالات کتابهای دبیرستانی و بر اساس تقاضاهای مکرر عمده‌ای از همکاران پاسخ صحیح بعضی از تمرینات جدید کتابهای اول دوم، سوم و چهارم دبیرستان به سراسر کشور ارسال گردید که در ذیل نمونه آن آمده است.

## PAGE ONE

## BOOK ONE

#### Structions and Answers

##### Review Practice Page 1

1. C 2. A 3. D 4. A 5. B 6. C 7. D 8. C 9. A 10. B  
11. A 12. D

##### Exercise A Combine the sentences.....(Page 20)

##### Isson Five

1. He has not only a good sense of sight, but also a good sense of hearing.
2. They not only learn the Baseej laws, but also obey them.
3. He learned not only to take care of himself, but also to use weapons.
4. The Baseej not only educates young people, but also trains them.
5. The Baseej members are not only clean in body, but (are) also clean in mind.

1. They washed either their dishes or their clothes.
2. They will work either in the city or in the village.
3. They either talk about the Baseej or tell stories.

1. We went neither fishing nor swimming.
2. He studied neither French nor German.
3. They are neither thirsty nor hungry.

##### B. Correct the following sentences..... (Page 21)

1. Ahmad is neither tall nor.....
2. You should either join us or.....
3. Either those trees must be watered or.....
4. Either my dog ran away or.....
5. Farhad liked neither the main course nor.....

## EXERCISE PAGE 34

1. Choose the correct .....

1. with 2. in 3. of 4. with 5. by 6. in 7. with, in 8. of  
9. by 10. for

2. Complete the following .....

1. to; at, in 2. at, in 3. in; at 4. at, at ; to; in 5. on,  
with; with 6. at, out, to, of 7. at; on, off 8. to; on,  
on, by, in, on 9. of, into, with / in 10. at, with in;  
on

4. .... into the present continuous of the future  
tense, Page 38

1. will 2. is 3. will 4. are, am 5. will; won't

3. fill in the blanks with a suitable modal auxiliary.  
Page 43

1. may 2. had better 3. must 4. would rather 5. will  
6. can 7. should 8. could 9. used to 10. had

4. Complete the following .... Page 44

1. may have eaten 2. must have been 3. should  
have gotten up 4. could have lent 5. must live 6.  
might have left 7. must have forgotten 8. should not  
have missed 9. could have hit 10. should have slept

Review Learning Languages .... Page 45

1.c 2.b 3.d 4.a 5.d 6.b 7.c 8.d 9.a  
10.b 11.a 12.c

Word Game Page 59

7. children : child aides: aide (means a helper; often  
to a person of high  
rank: a persidential  
aide, a diplomatic  
aide)

\* \* \*

Instructions and Answers

World Building (1) Page 12

1) a. unable b. ability 2) a. actions b. activities  
c. inactive 3) a. attraction b. attractive 4) a.  
comfortable b. discomfort 5) a. cooks, cookers b.  
cook / cookery

Word Building (II) Page 23

1) a. icy b. iced 2) a. friendship b. unfriendly  
3) a. customary b. customers 4) a. dusty b. duster 5) a.  
living b. life c. alive

Test (I) Page 25 Distinguishing between Similar Words

1) a. intend b. prove c. think d. test e. try  
2) a. notice b. remark c. tell d. say e. talk  
3) a. ask for b. insist c. demand d. keep on e. repeat  
4) a. spilled b. dropped c. fell d. let e. left  
5) a. spent b. passed c. agreed d. approved e. accepted

1.c 2.a 3.c 4.d 5.a 6.b 7.d 8.a 9.b  
10.c 11.b 12.b 13.a 14.a 15.c

Instructions and Answers

The tree of life

1.d 2.b 3.c 4.a 5.b 6.a 7.c 8.a 9.b  
10.d 11.a 12.c

Some thing do not change Page 21

1. b 2. d 3. c 4. d 5. a 6. b 7. d 8. c 9. d 10. d 11. c 12. a  
2. Complete the following sentences by supplying  
..... Page 23

1. It is raining, don't have 2. leaves 3. was  
running 4. were carrying 5. were fighting, was  
trying 6. was crossing / crossed, stepped, fell 7.  
has seen 8. will see 9. wouldn't make 10. wouldn't  
have been

4. Change the following from Direct to Indirect  
Speech. Page 23

1. I told her that I had something to show her.  
2. He said that nothing grew in his garden. It  
never got any sun.

3. He told his mother that he was going away the  
next day.

4. He said that he had been .... he hadn't had  
time....

5. His daughter said she had no idea what the  
time was but she would dial ....

7. In the following passage a number .... (Note that  
'...' indicates that no article is required.) Page 24

1. ... 2. the 3. ... 4. ... 5. ... 6. ... 7. the 8. ... 9. the  
10. the 11. the 12. ...

2. Turn the following sentences into the active voice  
Page 28

2. Why didn't you either lock the car or put it .....

3. You could put your money to good use instead  
of leaving it ...

9. Someone turned on a light and opened the  
door.

2. Put the following into direct speech. Page 33

1. I said, 'Why are you looking...?'

2. 'Who put salt in my tea?'

3. 'Which of you knows....?'

4. 'What is your new house like?'

5. 'Can you read...?'

6. 'Did they understand what you said to them?'

7. 'Are you leaving today or tomorrow?'

8. 'Would you mind if I look inside your bag?'

9. 'Are you going to let me in or aren't you?'

10. 'Did you go .... for your ... or did you stay  
....?'

Review (active into the passive) Page 61

1. troops have been called out 2. the train was held up by snow 3. The police were called in 4. His bed hasn't been slept in 5. He will be seen off at the airport by all the ministers 6. my shoes had been cleaned and my suit brushed 7. Why wasn't the roof mended ... 8. Bicycles must not be left....

Test (II) Page 63 Distinguishing between Similar Words 2

- 1) a. attend b. attempt c. intend d. pretend e. assist
- 2) a. expect b. hope c. wait d. look forward to e. believe
- 3) a. raise b. rise c. arise d. arouse e. get up
- 4) a. floor b. flat c. ground d. soil e. field
- 5) a. practice b. game c. sport d. hobby e. play

Word Recognition Page 64

1.a 2.b 3.c 4.b 5.(1) a (2) b

\*\*\*

English Language Department (ELD)

Organization of Research and Educational Planning,  
Ministry of Education.

### اخبار گروه آلمانی

۱ - اتمام کتاب اول دبیرستان و آماده سازی آن و تحویل به دفتر چاپ و توزیع جهت چاپ ۶۷.

۲ - ادامه تألیف کتاب آلمانی دوم دبیرستان.

۳ - تألیف کتاب دوم راهنمایی جدید.

۴ - تألیف روش تدریس دوم راهنمایی.

۵ - تألیف کتاب سوم راهنمایی باین صورت که کتاب دوم و سوم سابق درهم ادغام شده و بصورت سوم راهنمایی ارائه می شود.

۶ - تصمیمی گهیری در گروه زبان آلمانی به منظور استفاده از کتابهای دوم و سوم راهنمایی.

۷ - بازدید از مناطق مختلف تهران و شهرستان کرج و توجیه مسئولین واحدهای آموزشی در جهت اهداف آموزش این زبان.

۸ - ترجمه فیلمهای مربوط به دفتر پژوهش امور هنری و نمونه سازی از زبان آلمانی به فارسی.

۹ - تهیه جزوات جنبی و تمرینات ساختاری برای دوره راهنمایی و دبیرستان و ارسال آن به مناطقی که در تهران و شهرستانها

زبان آلمانی تدریس می گردد.

۱۰ - تهیه داستانهای کوتاه به زبان آلمانی و ارسال آن به مناطق مختلف تهران و شهرستانها.

بقیه در صفحه ۲۰

Word Recognition Page 26

1.a 2.b 3.c 4.b 5.b

Review of Articles (I) Page 45 (Note that '...' indicates that no article is required.)

1. a, ... 2. ..., ...; a, ... 3. ..., an, an; ... 4. an, a; ..., an,... a

5. a; a; ... 6. I'm having a few friends / I'm having ... friends, ...; a 7. ...; ... 8. a, a, ..., ... 9. a, a; an, a 10. a, a

II. Insert the if necessary.

1. The, ... the, ... 2. the ; the, the; ... 3. ..., ..., ... ; the, the, ...

4. the, the; the 5. ..., ..., ... 6. ... , ... , ... , ... 7. ... ; the, the, the 8. ..., the, ... the 9. ..., the 10. ..., ..., ..., the

Relative Pronouns: Page 47

1. Reza who had been driving all day, was tired...
2. Farhad, whose tyres were new, wanted ...
3. Mina, who did not know anything about mountains, thought .....
4. She .... were thieves which turned ....
5. We lit a fire, which soon dried ....
6. The truck crashed into a bus-load of school children, six of whom were slightly injured.
7. The women prayed ....., which kept us awake. / The boy cried ... night, which kept ...
8. Javad, whose injuries were slight, is being ... today's match which is a good thing...

Word Buliding (3) Page 47

1. a. agreement b. disagree c. disagreeable
2. a. continuous b. continually
3. a. destruction b. destructive
4. a. heating b. heater
5. a. lighter b. lightness

Exercuse Page 59

1.b 2.c 3.b 4.d 5.c 6.c 7.b 8.d 9.a 10.d

Word Buliding (4) Page 59

1. a. owner b. ownership
2. a. production b. prodcuts
3. a. receiver b. reception
4. a. robbers b. rebbery
5. a. servant b. service

## نامه‌ها

با تشکر از کسانی که برای مجله رشد نامه می‌نویسند صفحه «رشد و معلم» را از این شماره آغاز می‌کنیم. در این قسمت مقالاتی را که توسط همکاران به این مجله می‌رسد درج می‌نماییم. هدف از درج این مطالب اول مبادله اطلاعات و دوم ارتباط هرچه نزدیکتر با معلمین است. یادآور می‌شود که هیئت تحریریه در رد یا انتخاب مقالات آزاد است. دبیرانی که مایل به ارسال مقاله هستند هنگام ارسال مقالات خود نکات زیر را دقیقاً رعایت نمایند:

۱ - مطالب انتخابی کوتاه، مفید و آموزنده باشد.

۲ - ذکر منابع و مواخذ ضروریست.

۳ - مقالات در دو نسخه تایپ گردد.

۴ - مقالات خود را به آدرس زیر:

خ. ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره چهار آموزش و پرورش، دفتر تحقیقات، گروه زبان انگلیسی (مجله رشد) کد پستی ۱۵۸۷۴ ارسال دارند.

انگلیسی یادآوری کرد:

۱ - ابتدا باید در نظر داشت که متداول است در موقع نوشتن «تاریخ»، ماه را بصورت اختصار بنویسند و از طرفی تمام ماهها اختصار نمیشوند و آنهاییکه بصورت اختصار درمیآیند معمولاً یا با سه حرف اول و یا با چهار حرف اول بشرح زیر نوشته میشوند:

MONTHS	ABBREVIATIONS
January	Jan.
February	Feb.
March	Mar.
April	Apr.
May	—
June	—
July	—
August	Aug.
September	Sept.
October	Oct.
November	Nov.
December	Dec.

## تاریخ Date

علی روح پرور - دبیر دبیرستانهای شهر کرمان

خواندن یا گفتن و همچنین نوشتن «تاریخ» در زبان انگلیسی، گرچه جزو نکات مهم دستور زبان به حساب نمی‌آید ولی از اهمیت خاصی برخوردار است. این امر موقعی به مرحله اثبات میرسد که زبان آموز انگلیسی با تاریخ تولد یا وفات شخصیتی و یا با تاریخ ساخت یا انقضای دارو یا ماده فاسدشدنی در پشت جلد آنها روبرو میشود. در اینجا است که انسان به شک و تردید می‌افتد که فرضاً تاریخ 1.12.88 در زبان انگلیسی، اول ماه دسامبر یا دوازدهم ماه ژانویه سال ۸۸ میلادی است و چگونه آنرا بزبان انگلیسی ادا نماید. با توجه به نکات بالا لازم است که مطالب زیر را جهت هم‌آهنگی همکاران محترم در سراسر کشور بمنظور تدریس نوشتن و خواندن تاریخ در زبان



میشود - در حالیکه در انگلیسی بریتانیایی روز را در اول و بعد ماه و سال را مینویسند. مثلاً هشتم ژوئیه سال ۵۰ میلادی در این دو زبان به صورتهای مختلف زیر نوشته میشود:

(Am E) July 8(th), 1950 = 7.8.50

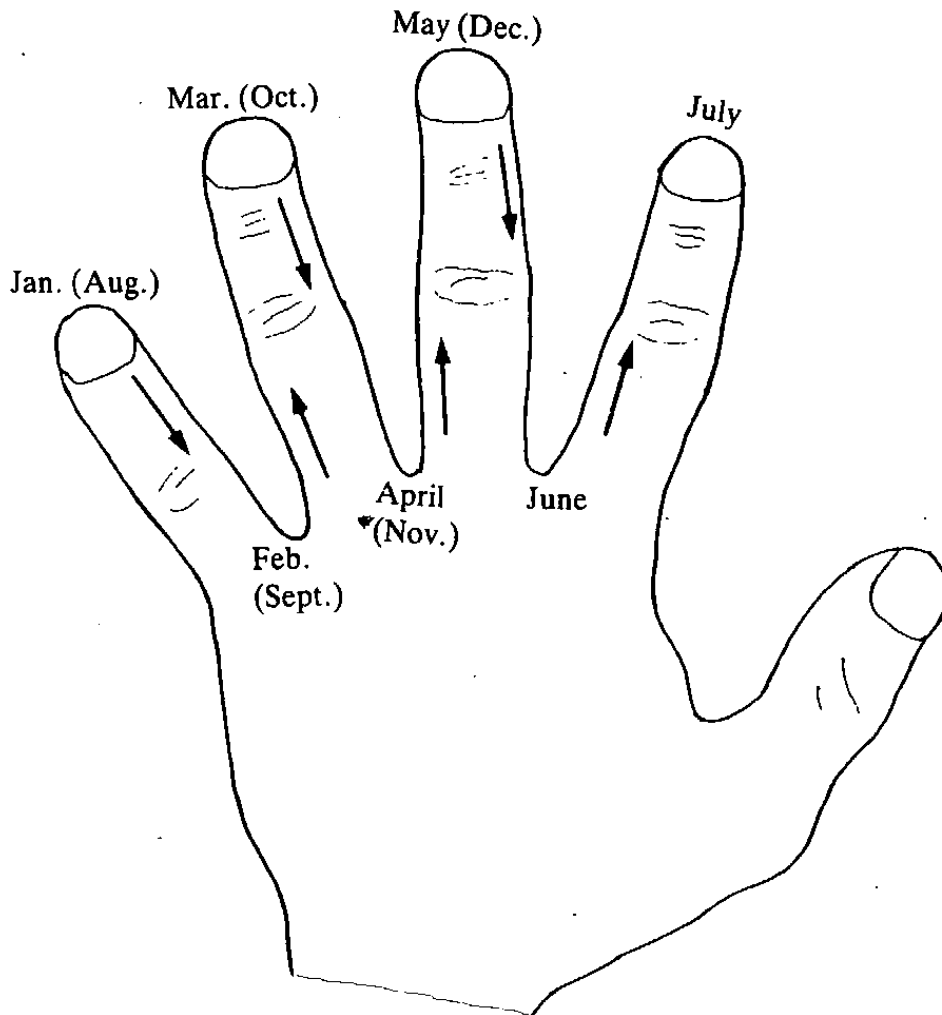
OR  
7-8-50 or 7/8/50

(Br E) 8(th) July, 1950 = 8.7.50

OR  
8-7-50 or 8/7/50

البته ناگفته نماند که نوشتن رقم روز، هم بصورت عدد اصلی امکان پذیر است و هم بصورت عدد ترتیبی (بعد از روز rd, nd, st یا th باشد) که در هر حالت، روز بصورت عدد ترتیبی خوانده و گفته میشود و در انگلیسی بریتانیایی قبل از آن the نیز ادا میگردد در حالیکه در انگلیسی آمریکائی the بیان نمی شود. در هر دو زبان متداول است که «سال» بصورت دو عدد دو

۲ - ماههای انگلیسی از لحاظ روز، دارای نظم و ترتیب خاصی نیستند و حفظ کردن آنها نیز موقتی بوده و با گذشت زمان فراموش میشوند. ولی روش بسیار ساده‌ای با استفاده از انگشتان دست وجود دارد که میتوان به زبان آموز یاد داد تا بخاطر داشته باشد که کدام ماه ۳۱ روزه است و کدام ماه ۳۰ روزه یا ۲۸ روز دارد. برای اینکار، انگشتان دست خود را در نظر بگیرید و اولین ماه انگلیسی یعنی Jan. را در نوک انگشت کوچک (همانند تصویر زیر) و به ترتیب ماه بعدی را در جهت فلش بین دو انگشت و سپس ماه سوم را در نوک انگشت بعدی نوشته و این عمل را تا بآخر ادامه دهید (البته از انگشت شست استفاده نمیشود، یعنی بعد از نوشتن ماه July در نوک انگشت نشانه، ماه Aug. را باید در نوک انگشت کوچک نوشت). تمام ماههای در نوک انگشتان (Jan., Mar., May, July, Aug., Oct., Dec. ۳۱ روزه و تمام ماههای بین دو انگشت (Apr., June, Sept., Nov., Feb. ۳۰ روزه است) بجز ماه Feb. که در سالهای عادی ۲۸ روزه و در سال کبیسه ۲۹ روزه است):



رقمی خوانده و گفته شود، البته اگر رقم سوم سال صفر باشد بیان آن در این دو زبان فرق دارد که منالهای زیر مطالب بالا را روشن می‌سازد:

۳ - خواندن یا گفتن و نوشتن «تاریخ» در زبان انگلیسی آمریکائی (Am E) و انگلیسی بریتانیایی (Br E) فرق دارد: در انگلیسی آمریکائی ابتدا ماه، بعد روز و در آخر، سال نوشته

Zero degree Fahrenheit = 17.8 degrees below  
Zero Centigrade.

در نتایج بازیها، انگلیسی‌ها عدد صفر را *nil* و آمریکاییها *zero* می‌گویند.

در بازی تنیس و بازیهای مشابه از کلمه *love* بجای صفر استفاده می‌کنند که از کلمه فرانسوی *l'oeuf* به معنی «تخم مرغ» گرفته شده است و شاید به این دلیل باشد که شکل صفر شبیه به تخم مرغ است. مثال:

Manchester three; Liverpool nil (در فوتبال)  
five - love; your service. (در تنیس)

در شماره‌های تلفن هر رقم را بطور جداگانه می‌گویند و صفر (0) را به صورت *oh* تلفظ می‌کنند. البته رقمهای مربوط به شماره تلفن در انگلیسی بریتانیایی، چنانچه دو رقم شبیه به هم داشته باشد از کلمه *double* و در انگلیسی آمریکایی رقمها را تک تک می‌خوانند. مثال:

52816 = five two eight one six (هر دو زبان)  
(انگلیسی بریتانیایی)

307 - 4922 { three o seven - four nine double two  
                  { three o seven - four nine two two  
(انگلیسی آمریکایی)

طرح یک درس از کتاب سوم دبیرستان  
تهیه و تنظیم خانم سیما سمیعی از منطقه ۵

نام درس: Transport and machines for the handicapped.  
(part one)

هدف: آموختن روان خوانی، تلفظ صحیح و درک مفاهیم و لغات جدید.

وسایل کمک آموزشی: تخته سیاه، گچ، ماشین حساب جیبی و ساعت کامپیوتری و یا تصاویر آنها.

مدت: ۹۰ دقیقه

۱ - معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که کتابها را ببندند و فقط

گوش کنند و درس را با سئوالات زیر شروع می‌کند:

What do you call a person who is not able to see?  
What do you call a person who is not able to hear?  
Have you ever seen a person who is not able to walk?  
Have you ever seen a person who is not able to talk?  
Have you ever seen a person who doesn't have hands  
or has only one hand? or one foot?

او پس از هر سؤال جوابهای صحیح دانش‌آموزان را تکرار می‌کند و بعد کلمات مورد نظر خویش را از جملات جدا کرده و روی تخته می‌نویسد، سپس با اشاره به کلمات روی تخته سیاه با ادای

## WRITING

(Am E) Feb. 1(st), 1979  
(Br E) 1(st) Feb., 1979

(Am E) 12 - 4 - 1908

(Br E) 12 - 4 - 1908

(Am E) May 22nd, 1100  
(Br E) 22nd May, 1100

## READING OR SAYING

(February first nineteen seventy nine)  
(the first of February nineteen seventy nine)

OR

(February the first nineteen seventy nine)

(December fourth nineteen O(the letter 'O') eight)

OR

(December fourth nineteen hundred eight)

(April the twelfth nineteen hundred and eight)

OR

(the twelfth of April nineteen hundred and eight)

(May twenty second eleven hundred)

(May the twenty second eleven hundred)

OR

(the twenty second of May eleven hundred)

## BIBLIOGRAPHY

Praninskas Jean, Rapid Review of English Grammar, Englewood Cliffs, N.J; Prentice - Hall, Inc. 1959

Swan Michael, Basic English Usage  
Oxford University Press 1984

حسن گردی تختی دبیر دبیرستانهای بندرعباس

nought, zero, nil, love

در انگلیسی بریتانیایی عدد صفر را *nought* /n:t/ ولی در انگلیسی آمریکایی *zero* می‌نامند. وقتی که اعداد تک تک خوانده می‌شوند صفر غالباً *oh* /o/ به مانند حرف *O* است تلفظ می‌شود. مثال:

My account number is four one three o<sup>1</sup> six.

برای اندازه‌گیری بخصوص درجه حرارت از کلمه **Zero** بجای

صفر (0) استفاده می‌کنند. مثال:

۱. در کتاب Basic English Usage بجای *o* از کلمه *oh*

استفاده شده است.

جمله‌ای مانند جمله زیر کلمه «Handicapped» را چند بار تکرار می‌کند:

The blind, the deaf and those who are unable to walk are handicapped people.

و بعد از دانش‌آموزان می‌خواهد که چند بار کلمه جدید را تکرار کنند و سپس کلمه «disabled» را نیز در قالب جملاتی نظیر جمله فوق چند بار ادا می‌کند و پس از آن نوشته‌های قبلی خود را روی تخته سیاه به شکل زیر تکمیل می‌کند:

The blind  
The deaf  
Those who can not walk

The handicapped  
The disabled

و پس از آن ضمن چند جمله دیگر کلماتی مانند numerous, continual, to stoop, major معرفی می‌کند و در توضیح هر یک از کلمات مترادفی که دانش‌آموزان قبلاً آموخته باشند و یا از حرکات دست و صورت استفاده می‌کند و اگر توضیح کلمه‌ای بدین شکل امکان‌پذیر نبود از معانی فارسی می‌تواند استفاده کند. معلم باید سعی کند هر لغت را در قالب جمله‌ای ساده چند بار بیان کند و بعد کلمات جدید را روی تخته سیاه بنویسد و از دانش‌آموزان بخواهد که آنها را چندبار تکرار کنند.

۲ - سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که پاراگراف اول را بطور صامت بخوانند و پاسخ سؤال روی تخته را در آن پیدا کنند:

سؤال اول  
1 - What is one of the major problems for the handicapped?

تقریباً پنج دقیقه فرصت برای این کار کفایت و در پایان وقت چند دانش‌آموز جوابهای خود را می‌خوانند و معلم بهترین و صحیح‌ترین جواب را چند بار تکرار می‌نماید تا همه کسانی که نتوانسته بودند جواب سؤال را پیدا کنند آن را یاد بگیرند:

Their major problem is moving about.  
۳ - معلم از پاسخ فوق استفاده کرده و توضیح پاراگراف دوم را شروع می‌کند:

They can not move about easily. They need help.  
و چند جمله دیگر...

و در این قسمت کلمات «computer» و «electronic» را که تقریباً همه با آن آشنا هستند در خلال سئوالاتی معرفی می‌کند. مثلاً

Where are the computers usually used?  
Can you tell me the name of a simple computer?

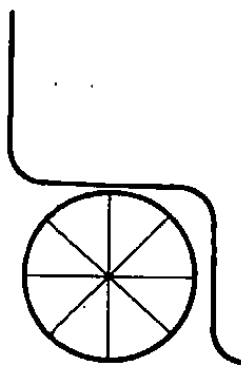
و با استفاده از پاسخهای دانش‌آموزان و با نشان دادن ماشین حساب جیبی و ساعت کامپیوتری و یا تصویر آنها کلماتی چون «calculator»

2 - What is the use of microcomputers for the handicapped?

و پس از اتمام پنج دقیقه بهترین جواب دانش‌آموزان را چند بار تکرار می‌کند:

They are used in machines made to help disabled people lead more normal lives.

۴ - معلم پاراگرافهای سه و چهار را هم مانند پاراگرافهای قبلی با چند پرسش و پاسخ و استفاده از علائم و اشارات و رسم تصاویر ساده مانند قبل ادامه می‌دهد. معلم می‌تواند با استفاده از تصاویر کتاب و یا رسم تصویر ساده‌ای کلمه «Wheelchair» و حتی «Powered Wheelchair» را به دانش‌آموزان بیاموزد: معلم می‌تواند با اشاره به چراغهای کلاس، ماشین حساب، و باطریهای آن و یا ساعت کامپیوتری کلمه Powered را تفهیم کند.



a wheelchair

و بعد برای پاراگرافهای ۴ و ۳ نیز سئوالی مطرح می‌شود:

3 - What is the difference between a powered wheel chair and the older hand operated ones?

۵ - معلم آخرین پاراگراف را هم مانند قسمتهای قبلی و با حداقل استفاده از کلمات فارسی و کاربرد کلمات مترادف و یا استفاده از تصاویر و حرکات مختلف باتمام می‌رساند. معلم می‌تواند با کشیدن یک تصویر ساده عصا و سفید کردن آن با گچ واژه stick و عبارت white stick را بیاموزد.



a white stick

- 2 - What is the use of microcomputers for the handicapped?
- 3 - What is the difference between a powered wheel chair and the older hand operated ones?
- 4 - Why do the blind use a white stick?
- numerous = very many  
 major = very important  
 assistance = help = aid  
 manage = do  
 normal = usual  
 to stoop(ed) to operate (d)  
 continual =  
 nowadays = at the present time  
 mechanical machines electronic  
 microcomputers cope calculators  
 computers digital to control (ed)  
 single = one lever toe  
 audible = a sound that you can hear  
 obstructions  
 a car  
 a bus  
 a station wagon  
 a vehicle

و بعد سؤال چهارم را روی تخته می‌نویسد:

4 - Why do the blind use a white stick?

۶ - پس از اینکه دانش‌آموزان به این ترتیب تمام درس را یکبار بطور صامت خواندند، معلم درس را از اول تا آخر قرائت می‌کند و در صورت لزوم جملات ساده را به انگلیسی و جملات مشکل پیچیده را فقط یکبار به فارسی ترجمه می‌کند. (هرگز نباید اجازه داد که دانش‌آموزان ترجمه فارسی را یادداشت کنند).

۷ - آخرین مرحله درس تکرار آن است. بعد از معلم ابتدا دانش‌آموزان قوی و سپس داوطلبین متوسط چند بار درس را می‌خوانند و بدین ترتیب تا پایان کلاس متن درس بیش از چهار یا پنج مرتبه و لغات جدید آن هریک چندین بار تکرار می‌شود.

نمایی از تخته سیاه در پایان درس

The blind  
 The deaf  
 Those who cannot walk

The handicapped =  
 disabled people

1 - What is one of the major problems for the handicapped?

بقیه از صفحه ۱۵

۱۱ - بررسی و اظهار نظر در مورد کتب ارسالی از وزارت ارشاد.  
 ۱۲ - تشکیل جلسات مستمر با دبیران زبان آلمانی و دریافت نظرات آنها در زمینه کتابهای دوره راهنمایی و کتابهای جدید التألیف اول و دوم دبیرستان و هنرستان.

اخبار گروه فرانسه


۱ - اتمام و آماده‌سازی کتاب اول دبیرستان و تحویل آن به دفتر چاپ و توزیع.  
 ۲ - ادامه تألیف کتاب روش تدریس اول دبیرستان.  
 ۳ - ادامه تألیف کتاب دوم دبیرستان.  
 ۴ - ادامه تألیف کتاب روش تدریس دوم دبیرستان.  
 ۵ - تألیف کتاب جدید دوم راهنمایی.  
 ۶ - تألیف کتاب روش تدریس دوم راهنمایی.  
 ۷ - تصمیم‌گیری در گروه زبان فرانسه در جهت استفاده کتابهای سال اول، دوم و سوم راهنمایی با توجه به برنامه دوساله زبان و برنامه‌ریزی آن.  
 ۸ - بازدید از مناطق مختلف تهران و شهرستان کرج و توجیه مسئولین واحدهای آموزشی در جهت اهداف آموزش دو زبان آلمانی و

فرانسه.

۹ - ترجمه فیلمهای مربوط به دفتر پژوهش امور هنری.  
 ۱۰ - همکاری با آموزش ضمن خدمت در جهت تشکیل کلاسهای بازآموزی.  
 ۱۱ - تهیه جزوه تمرینات ساختاری برای سال سوم دبیرستان و توزیع آن در واحدهای آموزشی.  
 ۱۲ - تهیه جزوه تمرینات ساختاری و تست برای سال چهارم دبیرستان و توزیع آن.  
 ۱۳ - همکاری با وزارت ارشاد در زمینه بررسی کتابهای ارسالی.  
 ۱۴ - برنامه‌ریزی در مورد تهیه نوارهای آموزشی برای کتابهای جدید التألیف.  
 ۱۵ - تشکیل مستمر جلسات مشورتی با دبیران زبان فرانسه.  
 ۱۶ - دریافت نظرات دبیران در زمینه‌های مختلف کتابهای فرانسه و اعمال نظر موارد مفید آنها در کتابهای جدید التألیف.  
 ۱۷ - شرکت در سمینار بررسی و نقد پیش نویس طرح تغییر نظام به نمایندگی از طرف گروه زبان‌های خارجی.  
 ۱۸ - فعالیت گروه در جهت بهبود مقالات مربوط به مجله رشد زبان و دعوت از اساتید دانشگاه به منظور همکاری در این زمینه.

# معرفی

# کتاب



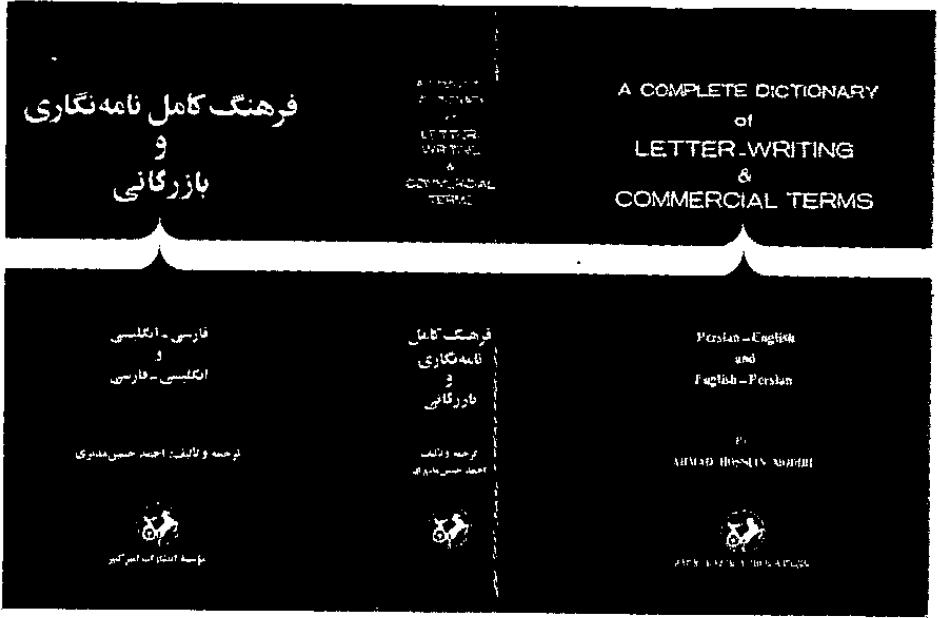
ویگوتسکی

---

**اندیشه و زبان**

---

ترجمه حبیب الله قاسم زاده



عنوان کتاب: فرهنگ کامل نامه‌نگاری و بازرگانی  
 انتشارات: امیرکبیر  
 تاریخ انتشار: ۱۳۶۶  
 تألیف: احمدحسین مدبری

عنوان کتاب: اندیشه و زبان  
 نشر: آفتاب  
 تاریخ انتشار: ۱۳۶۵  
 مترجم: دکتر حبیب الله قاسم زاده  
 نویسنده: ل. ویگوتسکی  
 این کتاب به بررسی یکی از پیچیده‌ترین مسائل روان‌شناسی یعنی ارتباط متقابل بین اندیشه و زبان می‌پردازد.

کتاب مذکور شامل تمام دستورات لازم برای تنظیم کلی نامه (تجاری، خصوصی و اجتماعی)، با ۲۵۰ الگوی نامه، تلکس و تلگرام همراه با واژگان و اصطلاحات مربوطه. واژگان و اصطلاحات موجز برای پیامهای تلکس. اختصارات عناوین معمول. اشتباهات معمول. واحدهای پولی بیش از ۱۳۵ کشور جهان فرمهای تجارتي (رسید معمول، رسید اجاره، سفته، چک، مناقصات، ضمانت‌نامه‌ها و قراردادهای رسمی)

استفاده از اشعار می تواند انگیزه ای برای پرورش ذوق خلاق دانش آموزان باشد. به همین دلیل در کتابهای دوم، سوم و چهارم از قطعات کوتاهی استفاده شده است. دوشیزه آسا برهانی اصائلو دانش آموز خوش ذوق کلاس سوم تجربی دبیرستان نوشیروان تهران شعر *To My Parents* کتاب سوم دبیرستان را به نظم درآورده است.

ENJOY IT

To My Parents

When I was young  
and learning to dream,  
you were always there  
you listened... and encouraged  
me to follow  
my dreams.  
You helped me to become  
all that I am.  
Because you believed in me  
I learned to believe  
in myself.  
Thank you for everything.

Francis William Bourdillon (1890)

The Night Has a thousand Eyes  
The night has a thousand eyes,  
An the day but one;  
Yet the light of the bright world dies;  
With the dying sun.

The mind has a thousand eyes,  
And the heart but one;  
Yet the light of a whole life dies  
When love is done

Page 482  
Reading Lit.  
J. Satin  
publi Houghton Mittlin

«به والدینم»

آنگه که جوان بودم  
هردم سفری کردم،  
در عالم رویاها  
همواره کنار من  
گوش شنوا بودید  
در عالم رویایم  
چون راهنما بودید  
مؤمن به من و با من  
یاری ده من بودید  
بخشنده به من آسان  
هستی ده من بودید  
هرآنچه که من دارم  
هرآنچه که خواهم داشت  
مملو ز سپاس و حمد  
مملو ز سپاس و حمد

آسا برهانی اصائلو

کلاس سوم تجربی دبیرستان نوشیروان



شعر زیر توسط آقای علی کافمن سروده شده و در مجله الفجر که از طرف مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان غربی چاپ و منتشر می شود، برای این مجله فرستاده شده است. در این شعر علی کافمن که به دین اسلام گرویده است، احساس خود را درباره شهید و انقلاب اسلامی به طرز زیبایی بیان کرده است.

Die roten Tulpen  
am grauen Asphalt  
vermischt mit dem Blut  
der Märtyrer.

Junge Menschen  
mit dem unerschütterlichen  
Glauben an Gott.  
Rein ihre Seelen  
voll mut ihr Leben.

Mit dem Ruf: Allahou Akbar  
entfachten sie den Sturm  
der islamischen Revolution!

Die roten Tulpen

sind an den gräberr  
der Märtyrer,  
die ohne Zögern  
dem Ruf  
des einen und barmherzigen  
Gottes folgten.

Keiner von uns,  
die noch am Leben,  
dürfen je vergessen  
die Märtyrer Allahs.

Die roten Tulpen  
sind eine Mahnung  
und Verpflichtung  
für jeden Muslim,

der die pflicht hat,  
das Unrecht zu bekämpfen,  
die Wahrheit zu verkünden  
und den Islam zu leben,

damit die rote Tulpe,  
die Blume, der  
islamischen Revolution,  
erblühen kann  
von Ost nach West  
und von Nord nach Süd!

Ali Kaufmann



قطعه زیر نشان می دهد که چگونه با ساده ترین کلمات زبان انگلیسی می توان احساس خود را بیان کرد. شاید استفاده از این گونه قطعات کوتاه خود انگیزه ای باشد برای یادگیری زبان انگلیسی. معلمین محترم می توانند در کلاسهای دبیرستان از شاگردان علاقه مند بخواهند بعنوان کار خارج از کلاس قطعه ای مانند قطعه فوق تحت عناوین "When I Am Tired" و یا "When I Am Cold" بنویسند.

### WHEN I AM HUNGRY

When I am hungry,  
I sing no song.  
My day is long.  
All things go wrong,  
When I am hungry.

When I am hungry,  
I do not play.  
I am not gay.  
My world is gray,  
When I am hungry.

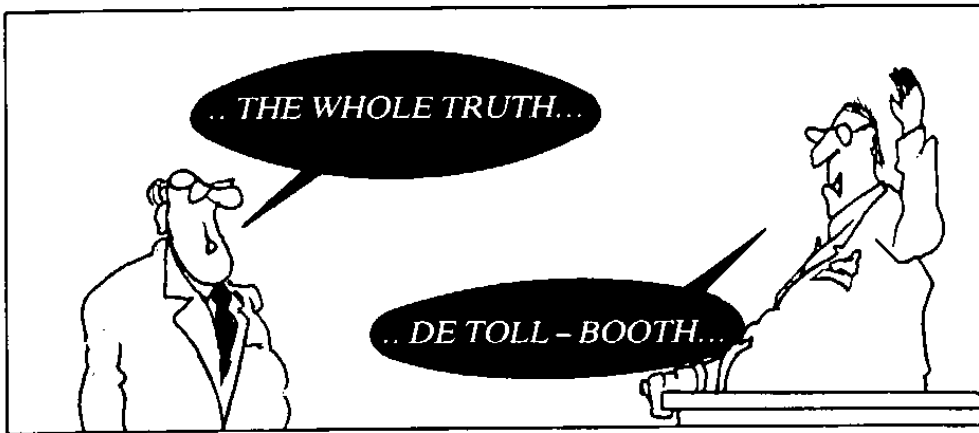
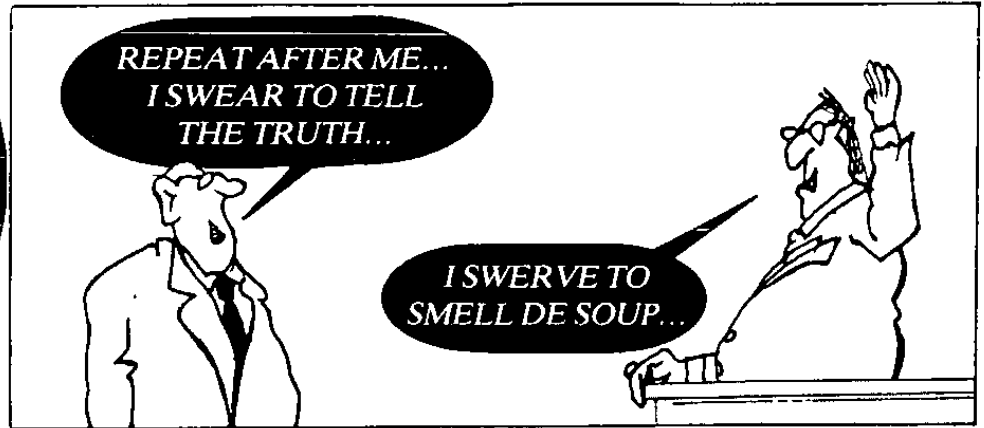
When I am hungry,  
I think of food.  
I remember food.  
I dream of food.  
I WANT food,  
When I am hungry.



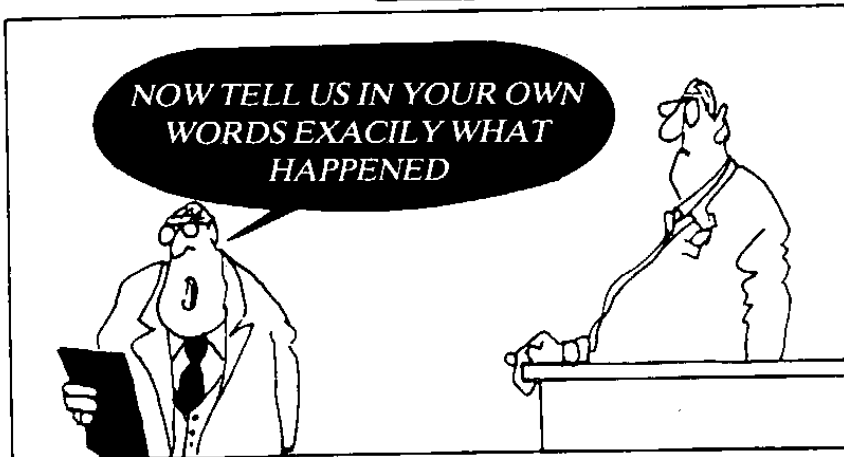
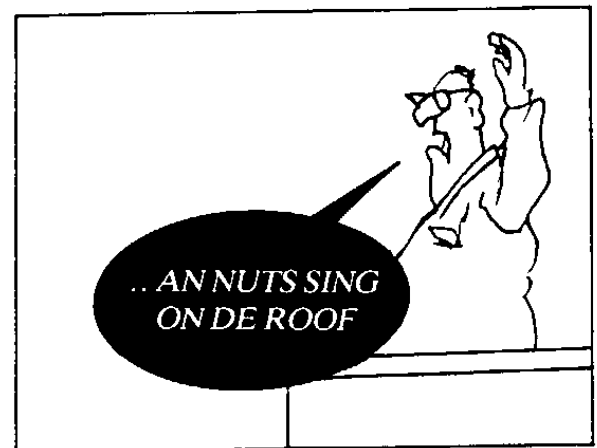
Please listen and Repeat?

اختلالات

گفتار و زبان  
در  
دانش آموزان



درک پیش از تکرار



چگونه می توان از دانش آموز  
انتظار داشت جملات و تمرین هارا  
تکرار کند پیش از آنکه جملات را  
درک کرده باشد؟



آسیب‌شناسی گفتار (Speech Pathology) نام یکی از رشته‌ها و زمینه‌های تخصصی دانشگاهی است که به مطالعه و بررسی اختلالات و مشکلات گفتار و زبان، هم در روند رشد طبیعی آن و هم در جهت بروز این قبیل ناهنجاری‌ها پس از یادگیری زبان می‌پردازد. علت‌یابی اختلالات و ناهنجاری‌های گفتار و زبان در مقایسه با گفتار طبیعی نسبی یکی از وظایف دیگر این رشته است. در آخرین مرحله ارزیابی توانایی‌های زبانی فرد دارای اختلال و بالاخره اعمال روش‌های درمانی مناسب برای برطرف کردن اختلالات گفتار و زبان می‌باشد. بهمین جهت معمولاً این رشته را گفتار درمانی (Speech Therapy) نیز خطاب می‌کنند. اختلالات گفتار و زبان ممکن است در هر یک از مهارت‌های چهارگانه زبان (گفتار، درک شنیداری، خواندن، نوشتن) وجود داشته باشد. از نظر تنوع و کیفیت نیز ممکن است در سطح تولید صداها، کلمه و یا جمله‌سازی ظاهر شود. این قبیل ناهنجاری‌ها در میان دانش‌آموزان می‌تواند به عنوان یک مشکل اساسی سد راه پیشرفت تحصیلی آنها بشود. ولی پیشرفت‌ها و یافته‌های این رشته در بسیاری از موارد به کمک این قبیل دانش‌آموزان شتافته و با روش‌های درمانی مناسب آنها را در مسیر طبیعی بهره‌گیری از گفتار و زبان قرار داده است.

از آنجا که کیفیت یادگیری زبان مادری و توانایی‌های ارتباطی دانش‌آموز در میزان موفقیت وی در فراگیری زبان خارجی مؤثر می‌باشد، و از آنجا که اختلالات در زبان مادری می‌تواند مانعی در سر راه یادگیری زبان خارجی باشد، مجله رشد آموزش زبان در نظر دارد ستونی را به بحث اختلالات گفتار و زبان اختصاص دهد. ما در این ستون در هر شماره به طرح یکی از زمینه‌های اختلال‌های گفتار و زبان می‌پردازیم. از دبیران و معلمان آموزش

زبان خارجی نیز دعوت می‌کنیم چنانچه در کلاسهای آموزش زبان خارجی به مشکلات خاصی در یادگیری مهارت‌های مختلف چهارگانه زبان برخورد کردند که جنبه اختلال یا ناهنجاری دارد طی گزارشی مجله رشد زبان را مطلع فرمایند تا حتی الامکان در جهت رفع مشکلات دانش‌آموزان راهنمایی‌های لازم ارائه شود.

### اختلال در خواندن

اصطلاح اختلال در خواندن یا dyslexia یکی از مشکلات زبان آموزان است که معمولاً برای موارد متنوعی از اختلال در خواندن بکار رفته است. ولی این بدان معنی نیست که اختلال در خواندن فقط به یک شکل دیده می‌شود و یا دارای علت واحدی است. بلکه این اصطلاح معمولاً یک نامگذاری عمومی است برای کسانی که در مقایسه با افراد طبیعی در خواندن دارای مشکلات فردی مختلفی هستند ولی علت آن می‌تواند متفاوت باشد. بهتر است پیش از بررسی گونه‌های مختلف اختلال در خواندن علل مختلف بروز اختلال در خواندن را بررسی کنیم.

در گذشته کمتر به علت‌های فردی اختلال در خواندن توجه می‌شد و متخصصان خواندن معمولاً به دنبال علت واحدی برای اختلال در خواندن بوده‌اند. زیرا تصور می‌شد اختلال در خواندن در همه افراد فقط ناشی از یک علت واحد است. این نوع برداشت در مورد اختلال در خواندن درست مانند آنست که سردرد را فقط به یک علت واحد نسبت دهیم و عوامل احتمالی دیگر از قبیل مثلاً بی‌خوابی را نادیده بگیریم.

در گذشته غالباً تصور می‌شد اختلال در خواندن ناشی از یک مشکل عصب شناختی است. این برداشت نادرست را عصب

شناسانی رواج داده بودند که تصور می‌کردند اختلال در خواندن فقط یک مشکل و مسأله پزشکی است. بر اساس همین تصور یکی از تعریف‌های رایج اختلال در خواندن عبارت است از: «ناتوانی درک مطلب در خواندن به سبب ضایعه مغزی». همین تعریف یک بعدی از اختلال در خواندن موجب می‌شد پدران و مادران و معلمان از پیشرفت تحصیلی فرزندان خود مأیوس شوند. این تعریف ناقص اشکالات زیادی را می‌توانست در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که دارای اختلال در خواندن هستند بوجود آورد.

البته آسیب‌شناسان گفتار و زبان در میان بیماران ضربه مغزی و یا در دوران جنگ در میان مجروحین جنگی با بیماران زیادی برخورد می‌کنند که زمانی در مهارت خواندن از توانایی بسیار بالائی برخوردار بوده‌اند، ولی پس از ضایعه مغزی مهارت خواندن خود را از دست داده‌اند. این قبیل اختلال در خواندن را معمولاً با اصطلاح «ناتوانی در خواندن» یا alexia یاد کرده‌اند. وجود این قبیل اختلالات در مهارت خواندن بدان معنی نیست که هر کودکی که در خواندن اختلال یا توانایی داشته باشد آن را ناشی از یک ضایعه مغزی یا عصبی بدانیم. با وجود این، بررسی سوابق بالینی و پزشکی کودکان دارای اختلال در خواندن حاکی از آنست که درصد ناچیزی از این قبیل کودکان دارای ضایعاتی جزئی در عملکرد مغز بوده‌اند. ولی بقیه کودکان به دلایل دیگری ممکن است دچار اختلال یا توانایی در خواندن بشوند.

بررسی منابع مربوط به اختلال در خواندن نشان می‌دهد دلایل یا عوامل مختلفی ممکن است موجب اختلال در خواندن شوند. از میان این عوامل عمده‌ترین آنها را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:

بقیه در صفحه ۴۲

2) Vous, allez là-bas.

در جمله اول Vous ضمیر فاعلی و فعل حال اخباری است در صورتیکه در جمله دوم Vous ضمیر تأکیدی و فعل وجه امری است. نتیجتاً واحدهای زیر زنجیری<sup>۱</sup> (آهنگ و تکیه و نواخت) نقش تعیین کننده‌ای در میانجی‌سازی دارند.

صامت‌های میانجی‌ساز عبارتند از:

۱ - واج [z] که بیشتر از بقیه واجها میانجی‌ساز است و دارای گونه‌های حرفی s و x و z می‌باشد:

Les amis, deux amis, (V), chez eux.

۲ - واج [t] نمایانگر حروف t و d:

Vient-il? grand-enfant

۳ - واج [n] در واژه‌هایی که نمایانگر مصوت‌های چهارگانه خیشومی است: an, em, in, ain, ein, on, un. در این حالت صامت خیشومی n بعنوان میانجی بکار می‌رود:

On a dit? / ònadi/

Un ami / / òenam / en été / ānete /  
mon ami/monami/

در واژه‌ها زیر مصوت خیشومی<sup>۲</sup> به مصوت دهانی تبدیل می‌شود.

Moyen âge / mwajena3/ , certain âge/ sertena3/  
bon ami/ bonami/

با صفات ملکی mon و ton و Son هر دو گونه صحیح است:

mon ami/ mōnami/ /monami/

۴ - واج [r] بصورت صامت میانجی در صفاتی نظیر: premier, dernier. leger

dernier\_étage, premier\_élève

۵ - واج [p] فقط در Trop و beaucoup به عنوان میانجی بکار می‌رود.

trop\_aimable, beaucoup\_aimé

الف - صامت‌های میانجی اجباری

در موارد زیر صامت پایانی اجباراً نقش میانجی ایفا می‌کند:

۱ - وابسته‌های اسمی:

- حروف تعریف معین، نامعین و بهری:

un\_enfant, les\_enfants, des\_enfants

- صفت ملکی

mon\_ami, mes\_amis, où sont vos\_affaires?

- صفت سئوالی در جملات پرسشی یا تعجبی:

Quels\_hommes!

Quelles\_intentions/avez-vous?

## صامت‌های

## میانجی‌ساز در

## زبان فرانسه<sup>۱</sup>

دکتر سید حامد رضینی

در زبان فرانسه مجموعاً ۳۶ واج وجود دارد: ۱۶ مصوت، ۱۷ صامت و ۳ نیم صامت. بطور کلی صامت‌های پایانی که در خط ظاهر می‌شوند تلفظ نمی‌گردند. از این قاعده صامت‌های L و C و f مستثنی هستند و صامت r فقط در کلماتی نظیر hiver و mer و.... تلفظ می‌شود.

هر چند که صامت‌های میانجی<sup>۲</sup> به زبان فرانسه آهنگ و طنین خاصی می‌بخشند ولی در همه جا نمی‌توان از آن استفاده کرد. در بعضی جاها میانجی‌سازی اجباری<sup>۳</sup> وجود دارد که اجتناب از آن به بیان و کلام گسینده لطمه خواهد زد: کنفرانس‌ها، مصاحبات مطبوعاتی سیاستمداران، ادبا و نویسندگان و بالاخره بازخوانی متن. برعکس میانجی‌سازی‌های غیرممکن<sup>۴</sup> وجود دارد که نباید از آن استفاده کرد. برای پرهیز از این دوگانگی در آموزش زبان فرانسه و تدوین کتابهای درسی، باید از میانجی‌سازی مجاز شروع و با تمرین و کاربرد آن به میانجی‌سازی بی‌وجه رسید.<sup>۵</sup>

اصولاً بین دو گروه آوائی میانجی‌سازی ممکن نیست. در جملات زیر آهنگ و نواخت<sup>۶</sup> مرز بودن و نبودن آنرا مشخص می‌کند.

1) Vous allez là-bas?

(...yaourt, yacht, yeux)

Les yeux, mais des/yougoslaves.

۳ - حرف ربط et به واژه بعدی نمی‌چسبد.

Elle est jolie et/ aimable, et/ encore, s'il savait!

۴ - Ils و Elles فقط به فعلی که وابسته آن هستند متصل

می‌شوند:

Sont-ils / ici depuis longtemps?

sont-elles / habiles?

Comment peut-on / y aller?

Ira-t-on ailleurs?

۵ - در واژه‌های Ceux, lesquels, quelqu'un صامت

پایانی نقش میانجی را ایفا نمی‌کند:

Ceux / à qui on parle, lesquels / ont réussi?

Quelqu'un / est venu, il y a quelqu'un à la porte.

۶ - اسم‌های مفرد (بجز اصطلاحات جاافتاده: الف ۷)

Un pont / étroit, le repas/a duré longtemps.

cela produit un effet / étrange.

۷ - دوّم شخص فعلی که به ES ختم شوند:

Il faut que tu ailles / en France.

۸ - سوم شخص مفرد فعلی که به rd یا rt ختم شود:

Il court / après son train.

۹ - اسم مفعول پیش از مفعول فعل:

Il a fait / une bêtise. J'ai pris/un repas.

۱۰ - اسم جمعی که فاعل فعل باشد:

Les enfants / aiment leurs parents.

۱۱ - پیش از H aspiré

les / halles, les / héros.

ج - صامت‌های میانجی اختیاری

هرچند که از موارد زیر کمتر در محاوره استفاده می‌شود ولی

برای بازخوانی متن لازم است:

۱ - مسندی که بعد از فعل قرار گیرد:

Il est / idiot.

۲ - فعل پیش از مفعول خود:

Il fait / un effort. Vous pourrez / aller.

۳ - فعل پیش از حرف اضافه:

Il le dit / avec élégance. Vous serez / après nous.

۴ - فعل معین پیش از اسم مفعول:

Il est / étonné. Nous serions / enchantés.

۵ - صفت عددی در ترکیبات روزهای ماه:

Le trois / octobre, le vingt / avril.

۶ - بعد از قیود:

۲ - ضمائر فاعلی یا مفعولی (بااستثنای ضمائر تاکیدی و

ضمائر سوم شخص جمع که بعد از فعل قرار گیرند)

Nous\_allons. je vous\_invite. Je les\_ai\_achetés. On\_est\_bien\_ici.

Ils\_écoutent.

Il ira avec vous/ aussi. Je pense à eux / aussi.

Depuis quand sont-ils/ arrivés

Quand sera-t-on / enfin soigné?

۳ - صفاتی که قبل از موصوف می‌آیند:

Un petit\_enfant. un grand\_homme.

Un long\_hiver. Trois\_images

۴ - وقتی که ضمائر y و EN بعد از فعل امر واقع شوند:

Prends-en! Manges-en\*

allons-y\* Goûtez-en\*

۵ - وقتی که در جملات پرسشی ضمیر فاعلی بعد از فعل قرار

گیرد:

Où est-il et comment peut-on le voir?

Sont-ils arrivés?

۶ - بعد از واژه‌هایی نظیر: bien, en, sans, très :

Tu es bien\_étonné. Il va en\_Italie.

J'en\_ai pris trois. Tu t'en\_étonnes.

Il est sans\_argent. Ils sont très\_aimables.

C'est bien\_ainsi qu'il dit.

۷ - در بعضی از واژه‌های مرکب و اصطلاحات جاافتاده:

Accent\_aigu. corps\_et\_âme.

de fond\_en comble (liaison en t), mot\_à mot.

Un pied\_à terre (liaison en t), de temps\_en temps.

Champs\_Elysées. Il était\_une fois.

۸ - بعد از واژه‌های vingts, cents, tout, quand, des,

و در بعضی موارد صامت پایانی سوم شخص جمع:

On lit dans\_Aristote. Dès\_aujourd'hui.

Quand\_ils sont partis. Il a tout\_entendu.

Quatre-vingts\_hommes. deux cents\_avions.

Ils sont\_étranges. Ils iront\_ensemble.

Elles doivent\_arriver.

ب - صامت‌های میانجی بی‌وجه

در موارد زیر صامت پایانی میانجی‌سازی نخواهد کرد:

۱ - هرگاه پیش از واژه‌های huit, un (numéro) (بجز

اعداد ترکیبی: onze (dix-huit) واژه‌ای قرار گیرد صامت میانجی

عمل نخواهد کرد.

cent / un, après un / vingt deux. cent/huit. les/onze

۲ - تمام کلماتی که به واج (J) شروع شوند، بااستثنای

**Exercice 5:** Faites comme dans le modèle en répétant:

Exemple: Tu dois faire un certain exercice / devoir

- Tu dois faire un certain devoir

1. Tu dois faire un certain exercice / devoir
2. Tu n'as encore rien apporté / rapporté
3. Il s'arrête en plein effort / travail
4. Il l'a très bien accueilli / reçu.
5. C'est un bon ami / camarade
6. Voilà ce qu'on écrit / raconte

۱. برای تهیه و ترجمه مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

۱ - محمدرضا باطنی: نگاهی تازه به دستور زبان

۲ - ابوالحسن نجفی مبانی زبانشناسی

۳ - کورش صفوی: درآمدی بر زبانشناسی

۴ - دکتر یارمحمدی: درآمدی بر آواشناسی

5. Cours de phonétique française, Konobzynski, Université de Besançon
7. Raphaël NATAF: Notes sur la liaison, in "Le Français dans le monde"
7. P.Léon: Introduction à la phonétique corrective, Hachette.
8. P.Léon: Prononciation du français standard, Didier.

2 - liaison consonantique

3 - liaisons obligatoires

4 - liaisons interdites

5 - intonation et ton

6 - suprasegmental

۷. از خط ممتد زیر دو حرف برای وجود میانجی سازی و از

خط مایل نبودن آن و از خط ممتد و مایل هر دو

le trois/octobre, le/héros, les livres:

8- voyelle nasale

9 - locutions figées

10 - consonne finale d'un mot

11. le H aspiré ne se prononce jamais en français standard mais sa présence entraîne manque de liaison: en/ haut et manque d'élision le/héros

Dans les mots comme: l'homme, dix-huit, un huissier, le H est muet et fait la liaison et l'élision.



Vraiment adorable, après une minute, il n'est pas ici, ce n'est plus original,...

۷ - میانجی سازی صامت پایانی اسامی جمع در داخل گروه

آوایی در زبان محاوره نادر ولی در بازخوانی متن پذیرفته و لازم است:

Dès enfants / adorables, des prix / élevés, des appartements / à vendre.

**EXERCICES** Pour faire en classe:

**Exercice 1:** Répétez après le modèle: l'hiver, un hiver, deux hivers, vingt hivers.

L'hiver,

l'artiste,

l'orage,

l'uniforme,

l'élève,

l'ange,

l'oncle,

**Exercice 2:** Ecoutez chaque phrase et mettez-la à la forme affirmative.

Exemple: Est-il sérieux? - Il est sérieux.

1. Est-il sérieux?
2. A-t-on frappé?
3. Est-elle rentrée?
4. Veulent-elles rester?
5. Font-elles attention?
6. Prennent-ils l'autobus?
7. Est-il gentil?

**Exercice 3:** Ecoutez chaque phrase et mettez-la à la forme interrogative.

Exemple: Elle vient souvent. - Vient-elle souvent?

1. Il vent souvent.
2. Ils rient fort.
3. Elle vont partir.
4. Elles finiront ce soir.
5. On doit revenir.
6. Ce chien mord.
7. Elle vient souvent.

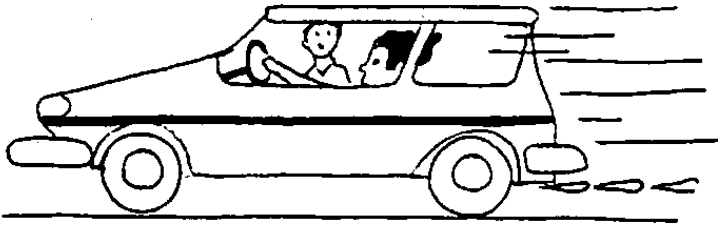
**Exercice 4:** Ecoutez chaque phrase et mettez-la à la deuxième personne du singulier.

Exemple: Ils arrivent en cachette. (tu arrives en cachette)

1. Vous demandez à manger.
2. Nous demandons à boire.
3. Ils parlent à voix basse.
4. Nous serons ici demain.
5. Vous marchez après lui.
6. Ils arrivent en cachette.
7. nous bavardons avec eux.

11. Was sagt er zu seinem Freund?

- a) Fahre du doch nicht so schnell!
- b) Fährst du doch nicht so schnell!
- c) Fahren doch nicht so schnell!
- d) Fähr doch nicht so schnell!
- e) Fahr doch nicht so schnell!



12. Was ist gelb?

- a) Tinte
- b) eine Tomate
- c) eine Zitrone
- d) Milch
- e) eine Brombeere

13. Der Tag vor gestern heißt vorgestern.  
Wie heißt der Tag nach morgen?

- a) übermorgen
- b) nachmorgen
- c) danachmorgen
- d) hintermorgen
- e) daraufmorgen

14. Ich interessiere mich nicht ... Politik.

- a) für
- b) an
- c) in
- d) um
- e) mit

15. Das Gegenteil von sauber ist:

- a) schwarz
- b) unklar
- c) dunkel
- d) schmutzig
- e) häßlich

16. Was ist das?

- a) eine Verkehrslampe
- b) ein Verkehrslicht
- c) ein Scheinwerfer
- d) ein Warnlicht
- e) eine Verkehrsampel



17. Welches Wort paßt nicht zu den anderen?

- a) Koffer
- b) Rucksack
- c) Seesack
- d) Tasche
- e) Gebäck

18. Was kann man nicht sagen?

- a) Wieviel Uhr ist es?
- b) Wir haben täglich 5 Uhr Unterricht.
- c) Geht Ihre Uhr richtig?
- d) Um 12 Uhr gibt es Mittagessen.
- e) Die Turmuhr schlug Mitternacht.

19. Warum stehen Sie denn?...

- a) Setz dich doch!
- c) Sitzen sich doch!
- d) Setzen sich Sie doch!
- e) Setzen Sie sich doch!

20. Was sagt der Junge?

- a) Wirf!
- b) Nimm!
- c) Trage!
- d) Fang!
- e) Halt!

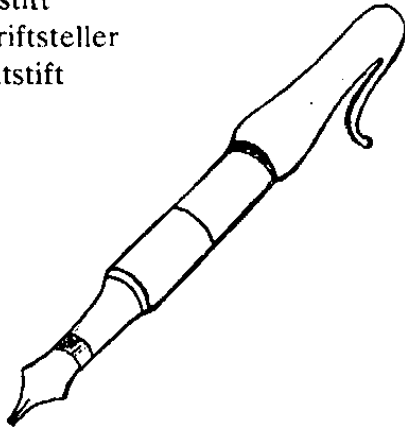


باسمہ

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
a	●								●				●	●						
b			●			●		●											●	
c		●								●		●								
d				●	●		●								●					●
e											●					●	●		●	

1. Was ist das?

- a) ein Füller
- b) ein Kugelschreiber
- c) ein Bleistift
- d) ein Schriftsteller
- e) ein Buntstift



2. Welches Wort schließt die vier anderen ein?

- a) Kohl
- b) grüne Bohnen
- c) Gemüse
- d) Gurken
- e) Spinat

3. Welches Zahlwort ist falsch geschrieben?

- a) hundert
- b) sechszehn
- c) eine Million
- d) vierundsiebzig
- e) einundzwanzig

4. Was antwortet der Mann?

- a) In die Stadt.
- b) Die Straße ist nicht gut.
- c) Sehr langsam.
- d) Danke, gut!
- e) Zu Fuß.



5. Was kann man nicht trinken?

- a) Saft
- b) Limonade
- c) Sprudel
- d) Tinte
- e) Milch

6. Was ist die richtige Reihenfolge?

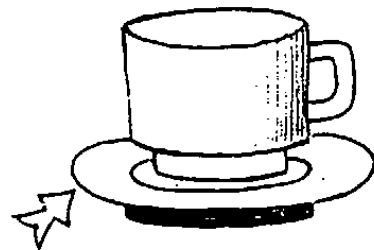
- a) selten, oft, nie, meistens, immer
- b) nie, selten, oft, meistens, immer
- c) immer, oft, selten, meistens, nie
- d) immer, meistens, selten, oft, nie
- e) nie, selten, meistens, oft, immer

7. Klaus, du mußt mir helfen, du bist doch mein ... Freund!

- a) besten
- b) am besten
- c) am bestener
- d) bester
- e) beste

8. Das ist...

- a) ein Tassenteller
- b) eine Untertasse
- c) ein Unterteller
- d) ein Kleinteller
- e) ein Untersetzer



9. Man fragt Sie: Ist dieser Platz noch frei?

Sie antworten: Nein, er ist schon...

- a) besetzt
- b) unfrei
- c) genommen
- d) gehalten
- e) gegeben

10. Wie... du denn mein neues Kleid?

- a) hältst
- b) gefälltst
- c) findest
- d) denkst
- e) stehst

**teste Dein Deutsch**

# **Eine neue Art, Deutsch zu lernen!**

آموزش زبان آلمانی به کمک روش تکمیلی  
تستهای چندگزینه‌ای  
مقدمه‌ای بر شناخت روش

## **Multiple – Choice – Verfahren**

تهیه‌کننده: مهندس علی اصغر شجاعی

تستهای چندگزینه‌ای را نمی‌توان یک روش مستقل در آموزش یک زبان بیگانه به حساب آورد. این روش مانند دیگر روش‌های کلاسیک زبان‌آموزی نیست بلکه می‌تواند به عنوان مکمل در کنار دیگر شیوه‌های متداول آموزش، سطح کیفی معلومات زبان‌آموز را بالا ببرد و بهبود ببخشد. شیوه کار به این صورت است که شخص برای هر سؤال مطرح شده با ۵ جواب پیشنهادی مواجه می‌شود و باید جواب صحیح را از میان آنها تشخیص دهد و برگزیند. این سؤالات می‌توانند حاوی مطالب گوناگونی از قبیل کلمات متضاد یا مترادف، دیکته صحیح کلمات، مکالمات روزمره، نکات دستوری و... باشند. این روش هیجان سالم را جاشنی آموزش کرده و می‌تواند امر فراگیری زبان را به کاری سرگرم‌کننده و لذت‌بخش بدل کند. نکته مهم دیگر این است که زبان‌آموزان در هر سطحی که باشند می‌توانند از این روش بهره‌گیری کنند. در زیر نمونه‌هایی از تست‌های مذکور آمده است. تعدادی از آنها با تصاویر جالبی همراه هستند. در پایان پاسخ‌نامه‌ای نیز جهت کنترل جواب‌ها وجود دارد.

# حروف اضافه در زبان آلمانی

حروف اضافه در زبان آلمانی و طرز بکار بردن آن در جملات دشواریهای فراوان برای علاقمندان این زبان بوجود می آورد. فارسی زبان در آموختن زبان آلمانی از همان آغاز با دشواریهایی روبرو می شود، و بیداست که برای رفع آن نیاز به مآخذی دارد. این سری از مقالات بمنظور برآوردن این نیاز فراهم شده است و در چند شماره به حساب خواهد رسید. کوشش بر آن بوده است که معانی گوناگون هر یک از حروف اضافه و کاربرد آن در جملات نشان داده شود. امید است که این نوع مقالات بتواند تا اندازه ای دشواریهای این مبحث مهم دستور زبان آلمانی را آسان نماید و علاقمندان را در رسیدن به مقصود یاری کند.

دکتر محمد ظروفی  
دانشگاه تهران

می شوند. بنابراین تعداد حروف اضافه مرکب بسیار است و نیز می تواند گسترش یابد. زبان آلمانی دارای حروف اضافه بسیاری است و به چهار دسته بشرح زیر تقسیم می شوند:

۱ - حروف اضافه ای که با حالت **AKK** می آیند:

durch, für, gegen, wider, ohne, um, bis

۲ - حروف اضافه ای که با حالت **Dat.** می آیند:

aus, außer, bei, mit, nach, seit, von, zu

۳ - حروف اضافه ای که با حالت **Dat. und AKK.** می آیند:

an, auf, hinter, in, neben, über, unter, vor, zwischen

۴ - حروف اضافه ای که با حالت **Gen.** می آیند:

anstatt, trotz, wegen, (innerhalb, außerhalb, oberhalb, unterhalb, diesseits, jenseits), (unweits, längs), kraft, (mittels, vermittels), vermöge, zufolge, angesichts, anlässlich, (betreffs, bezüglich, hinsichtlich), einschließlich, seitens, zwecks

## ۱ - حروف اضافه با **Akkusativ**

۱ - معنای مکانی (از «میان»)

نخستین معنای **durch** معنی مکانی آنست و بیانگر حرکتی است از میان یک فضا یا جسم از یک سوی بسوی دیگر. اگر بخواهیم بر **durch** تأکید کنیم، می گوئیم **hindurch**، و یا برای بیان دقیقتر آن می گوئیم:

mitten durch, quer durch

مثال:

قطار از (میان) تونل عبور کرد.

Der Zug fuhr durch einen Tunnel.

گلوله از وسط سینه اش گذشت.

Der Schuß drang ihm mitten durch die Brust.

۲ - معنای واسطه ای (بوسیله)

اصلی اندک است، ولی بسیاری از اسمها و قیدها می توانند نقش حروف اضافه را بعهده گیرند. اینگونه حروف اضافه غیر اصلی با گرفتن کسره با کلمه بعدی ترکیب می شوند، مانند: پشت - بالا - باین - کنار - پیش - لب... مثلاً کلمه لب که اسم است، در جمله «برادرم لب حوض است». نقش حرف اضافه را به عهده گرفته است.

حروف اضافه اصلی عبارتند از: از - با - بی - بر - به - تا - در - جز... از ویژگی های این دسته از حروف اضافه اینستکه در ترکیب با کلمه بعدی کسره نمی گیرند و مانند حروف اضافه در زبان آلمانی دارای معانی بسیاریند. مانند: در باغ - از ما - به بالا.

در برخی موارد دو حرف اضافه اصلی در فارسی برای تقویت معنی با هم می آیند، مانند: بجز و غیره.

در زبان فارسی معاصر بویژه زبان محاوره ای گاهی حروف اضافه اصلی حذف می شوند، مانند: حسن خانه است.

اگر حرف اضافه فقط یک کلمه داشته باشد، آنرا حرف اضافه ساده می گویند مانند: به - در - از... ولی اگر حرف اضافه ای بیش از یک کلمه باشد آنرا حرف اضافه مرکب می نامند، مانند: از پیش - در نزد - به پیش... و اینگونه حروف اضافه مرکب غالباً از یک حرف اضافه اصلی با یک اسم یا قید تشکیل

## تعریف

حروف اضافه یا پیشواژهها (Präpositionen) کلماتی هستند غیر صرفی و در جمله نسبت یک اسم یا ضمیر را با یک اسم یا ضمیر دیگر، با فعل، صفت یا قید نشان می دهند و در زبان آلمانی غالباً جلو آنها، و گاهی هم بعد از آنها می آیند و روی حالات صرفی شان تأثیر می گذارند. مثلاً کلمه **Buch** در حالت فاعلیت در رابطه با فعل **liegen** می تواند نسبت گوناگونی با کلمه **Schrank** داشته باشد:

- 1-Das Buch liegt auf dem Schrank.
- 2-Das Buch liegt in dem Schrank.
- 3-Das Buch liegt unter dem Schrank.

۱ - کتاب روی اشکاف قرار دارد.

۲ - کتاب توی اشکاف قرار دارد.

۳ - کتاب زیر اشکاف قرار دارد.

و یا:

او بالا می رود.

Er geht nach oben.

بنظر من این خوب است.

Ich halte das für gut.

اینجا یک نامه برای او هست.

Hier ist ein Brief für ihn.

و همانطور که ملاحظه می شود حروف اضافه می تواند قبل از قید، صفت و ضمیر هم واقع شود.

در زبان فارسی معاصر تعداد حروف اضافه



اما همیشه باید گفت:  
 die Ermordung Cäsar durch Brutus  
 کشته شدن سزار توسط بروتوس  
 die Erfindung der Buchdrucker-  
 kunst durch Gutenberg  
 اختراع صنعت چاپ توسط گوتنبرگ  
 ۴ - معنای زمانی (سراسر)  
 وقتی durch را بمعنای زمانی بکار  
 می‌بریم، منظور ما یک زمان بلاانقطاع است، و  
 در واقع از hindurch استفاده می‌کنیم که در  
 این صورت بعد از اسم می‌آید، مثال:  
 Die ganze Nacht hindurch habe ich  
 nicht schlafen können.  
 تمام شب نتوانسته‌ام بخوابم.  
 Das ganze Altertum hindurch hat  
 man keine Straßennamen und  
 keine Hausnummern gekannt.  
 سراسر قرون وسطی خیابانها نامی و خانه‌ها  
 شماره‌ای نداشته‌اند.  
 Die ganze Zeit, die ganze Woche,  
 den ganzen Monat, den ganzen  
 Sommer hindurch hat es kein  
 einziges Mal geregnet.  
 تمام وقت، تمام هفته، تمام ماه، سراسر تابستان  
 یکدفعه هم باران نباریده است.  
 و قصد و منظور، و یا چیزی را جامه عمل  
 پوشاندن، مانند:  
 eine Absicht, einen Plan, eine  
 Reise durchführen  
 یک قصد، یک نقشه، یک سفر را جامه عمل  
 پوشاندن.  
 seinen Willen, seinen Kopf durch-  
 setzen  
 قصد خود را جامه عمل پوشاندن  
 ein Gesetz durchbringen  
 قانونی را به تصویب رساندن  
 برعکس بالا، چیزی را از بین بردن، حذف  
 کردن مانند:  
 ein Wort, einen Satz, eine Zeile  
 durchstreichen  
 یک کلمه، یک جمله، یک سطر را خط زدن  
 ادامه دارد

۳ - معنای (عللی و بعلت)  
 معنای عللی durch ضعیف است. و عمیقاً  
 با معنای واسطه‌ای آن مربوط می‌شود. تمایز  
 این دو بگونه‌ای روشن بندرت ممکن است.  
 اغلب durch عللی چیزی جز یک  
 واسطه‌ای غیرارادی نیست، مثال:  
 durch übermäßiges Rauchen seine  
 Gesundheit ruinieren  
 بعلت استعمال بیش از حد دخانیات سلامتی  
 خود را از دست دادن  
 بعلت یک تصادف مردن  
 durch einen Unfall ums Leben  
 kommen  
 Durch den krieg verlor Deutsch-  
 land  $5 \frac{1}{2}$  Millionen Menschen.  
 بعلت جنگ، آلمان ۵/۵ میلیون انسان را از  
 دست داد.  
 durch eigene Dummheit etwa ver-  
 lieren  
 بعلت حماقت خود چیزی را از دست دادن  
 در جمله‌های مجهول von بیانگر بانی و  
 durch بیانگر علت است. مثال:  
 Der Kranke wurde von einem  
 Spezialisten operiert.  
 بیمار توسط یک متخصص جراحی شد.  
 اما،  
 Er wurde durch eine geschickte  
 Operation gerettet.  
 او بوسیله یک جراحی ماهرانه نجات یافت.  
 Durch ein Stipendium wurde ihm  
 die Möglichkeit gegeben...  
 بوسیله یک بورس تحصیلی این امکان باو  
 داده شد...  
 در حالیکه گفته می‌شود:  
 Cäsar wurde im Jahre 44 v. Chr.  
 von Brutus ermordet.  
 سزار در سال ۴۴ قبل از میلاد مسیح توسط  
 بروتوس کشته شد.  
 Die Buchdruckerkunst wurde um  
 1438 Von Gutenberg erfunden.  
 صنعت چاپ در سال ۱۴۳۸ توسط  
 گوتنبرگ اختراع شد.

معنای واسطه‌ای durch باید کاملاً با  
 معنای mit (وسیله‌ای) تمیز داده شود. mit با  
 وسیله‌ای می‌آید که در اختیار ماست و بدخواه  
 می‌توانیم از آن استفاده کنیم، اما durch  
 برعکس آن جنبه واسطه‌ای دارد و با کمک آن  
 عملی انجام می‌گیرد.  
 مثلاً گفته می‌شود:  
 Schreiben Sie bitte mit Tinte, nicht  
 mit Bleistift!  
 لطفاً با مرکب بنویسید، نه با مداد.  
 اما باید گفته شود:  
 Ich schicke Ihnen das Buch durch  
 meinen Boten.  
 من کتاب را برای شما بوسیله نامه‌رسانم  
 می‌فرستم.  
 بنابراین durch همواره نقش واسطه‌ای را  
 می‌رساند. مثال:  
 Ich habe sie durch meinen Freund  
 kennengelernt.  
 من با او (مؤنث) بوسیله دوستم آشنا شدم.  
 Durch einen Bekannten habe ich  
 von Ihrer Erkrankung erfahren.  
 وسیله آشنائی (دوستی) از بیماری شما اطلاع  
 پیدا کردم.  
 Herr Prof. Ahrens läßt Sie durch  
 mich grüßen.  
 آقای پروفیسور آرنس بوسیله من شما سلام  
 می‌رساند.  
 Er läßt Ihnen durch mich sagen,  
 daß...  
 از طرف او باید بشما بگویم که ...  
 در موارد دیگر (غیر از اشخاص)، durch  
 واسطه‌ای غالباً بدون حرف تعریف بکار برده  
 می‌شود. مثلاً:  
 Durch Zufall habe ich erfahren,  
 daß...  
 بوسیله تصادف (تصادفاً) اطلاع پیدا کردم  
 که...  
 etwas erwerben durch Tausch,  
 Kauf, Erbschaft, Betrug  
 چیزی را از طریق معاوضه، خرید، ارث،  
 کلاهبرداری بدست آوردن

is correct and certainly in formal writing or speech the formulation *real soon* should be avoided. However, it has become so common a conversational idiom that it must be accepted in informal speech. In order to avoid the awkward and unidiomatic *really*, why not use *very soon* if you want to be more formal. That will also keep your schoolmarm friend happy!

### Bring — Take

Question: I hesitate to broach this topic for fear of shocking you with my ignorance of the English language. However, I find that I am not the only one — perhaps I should say the only American — guilty of making this error of speech. When I make this error, my British husband and our British friends always catch it. But Americans never seem to notice it — which must be either due to indifference or to not knowing the difference themselves.

I refer to the words *bring* and *take*. I confess to continually saying, "I shall *bring* this to the others." I am told I should say, "I shall *take* this...."

Answer: Simply put, here's the difference. *Bring* means to transport, carry or lead a thing from a distance to the place where the speaker is. Thus you would say, "*Bring* the flowers in from the garden, so I can arrange them for the table." But *take* implies transporting something away from the place where the speaker is. So, you'd say, "Now *take* the flowers over to Aunt Betsy in the hospital."

It's rather a nice distinction, but it is upon the careful observance of such seemingly trifling niceties that a reputation for good speech must be based.

### Hi — Hello!

Question: So many people use the greeting *Hi!* for *Hello*. Just how did this come into such common usage and is it considered correct?

Answer: *Hi!* is an abbreviation of *hiya* which in turn is a corruption of *How are you?* While common enough as a casual, informal greeting, especially among young people, *Hi!* would certainly not be considered correct for use in any formal situation. Better say *Hello*.

Incidentally, the word *hello* itself is comparatively recent in general use, dating only from the invention of the telephone. For centuries the calls *hulloa*, *halloo* and *hollo* were commonly used by sailors and huntsmen to attract attention. It's likely that the term first came into English — as did so many other terms associated with hunting — at the time of the Norman Conquest. Originally *hola* from the French *ho* and *là* — *Ho, there* — the salutation gradually took other forms and, by the middle of the last century, was generally pronounced and written *hullo*.

Then came the invention of the telephone and for the first few years people began each conversation with *Are you there?* — as many still do in England today. But Edison, impatient as always with waste of time or energy, decided

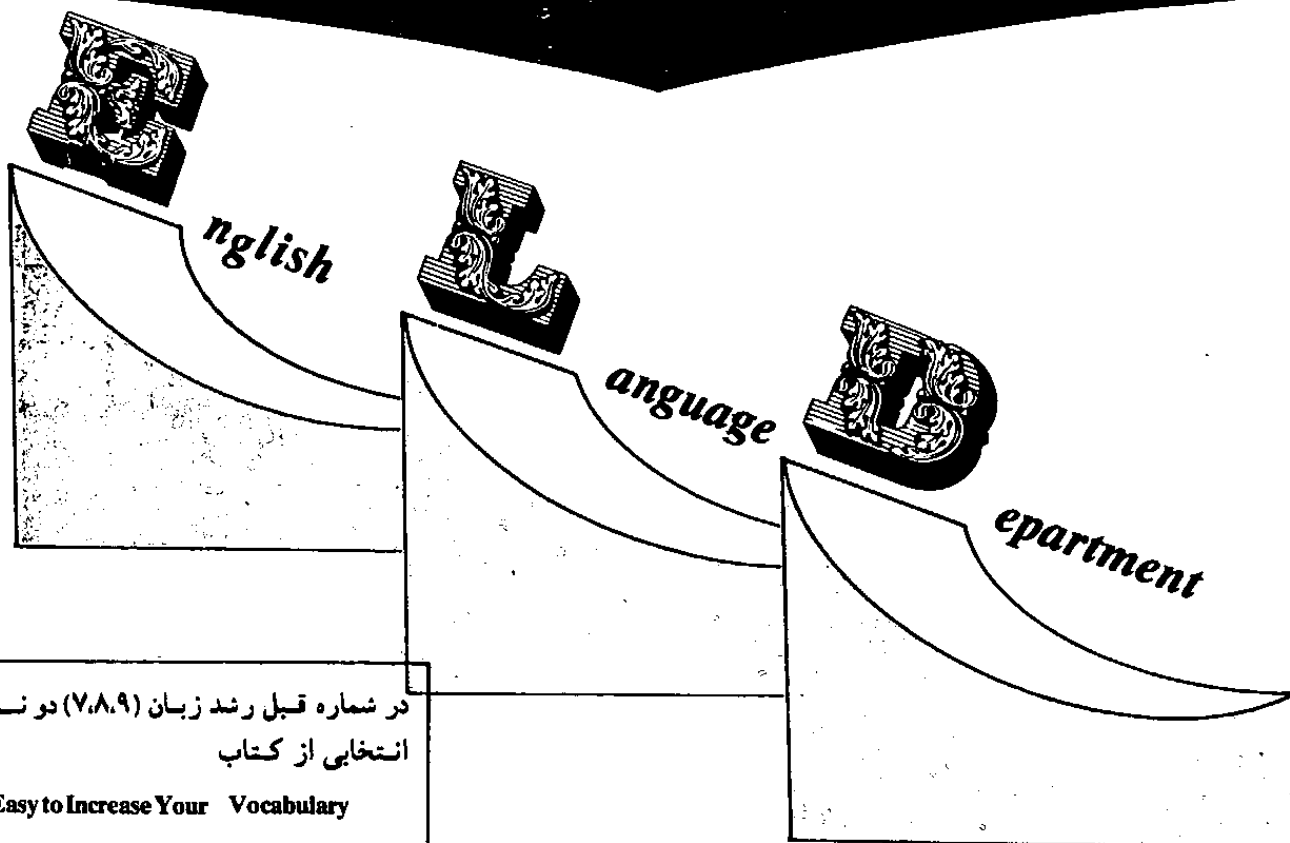
this was too wordy and settled on *Hello* for his own telephone salutation. His example was widely imitated and has since been standard American practice.

### Microphone

Not long ago I received this interesting query. "I am something of an amateur student of words and I especially like to break a word down into its component parts to see how it came to have its present-day meaning," ran the question. "But I'm stumped on *microphone*. The first half is from the Greek *micros*, meaning small. The second part is from *phonos*, sound. Seems to me the word should mean a device for making sounds smaller, not louder. But, obviously it doesn't, so what's wrong with my deduction?"

First, the Greek prefix *mega* (meaning great or large), which might more logically have been used, had been preempted by the word *megaphone*, a device nobody who lived through the Rudy Vallee "Vagabond Lover" hysteria of the late twenties will soon forget.

Equally to the point, the prefix *micro* has several meanings. The first, "little or exceptionally small," is the most common and is the one to which you refer. However, *micro* may also mean "enlarging what is small." Its most common appearance in this sense is probably in the word *microscope*, and it is in this sense that we find it in *microphone*. Thus we have here a perfectly accurate name for the device whose chief use is to intensify weak sounds.



در شماره قبل رشد زبان (۷،۸،۹) دو نمونه  
انتخابی از کتاب

**It's Easy to Increase Your Vocabulary**

نوشته William Morris را جهت

استفاده علاقه‌مندان آوردیم و اینک در این  
شماره نیز نمونه دیگری از همان کتاب را  
عرضه می‌داریم. امید است این مجموعه مورد  
قبول و استفاده خوانندگان قرار گیرد.

گروه زبان انگلیسی دفتر تحقیقات

### Data is (are)

Question: Which is correct: "The data for the experiment *is* in hand," "The data *are* in hand"?

Answer: Properly and correctly *data*, which is the plural form of the Latin word *datum*, requires a plural verb. Thus you should say, "The data *are*." However, this distinction is not widely observed on informal levels today and the singular verb is now often heard and seen, especially in the speech and writings of technical and business people. So, while "The data *are*" is preferable in formal

writings, you will not be wrong to say, "The data *is*" on most occasions.

### Three-fourths was (were)

Question: Which is correct: "Thee-fourths of the soda *was* drunk" or "Three-fourths of the soda *were* drunk"? The first sounds right to me but shouldn't a plural subject like *threefourths* take a plural verb?

Answer: If the phrase following the fraction is singular, the verb should be singular. Three-fourths

of the soda *was* drunk." But if the phrase following the fraction is plural, the verb likewise is plural. Thus: "Three-fourths of the soldiers *were* sober."

### Real soon

Question: I have been criticized for saying, "Hurry back *real soon*." A schoolteacher friend of mine says that *soon* is an adverb and must take the adverbial form *really* as a modifier, rather than *real*. But, "Hurry back *really soon*" simply doesn't sound right.

Answer: Technically your friend

**CROSSWORD PUZZLE**

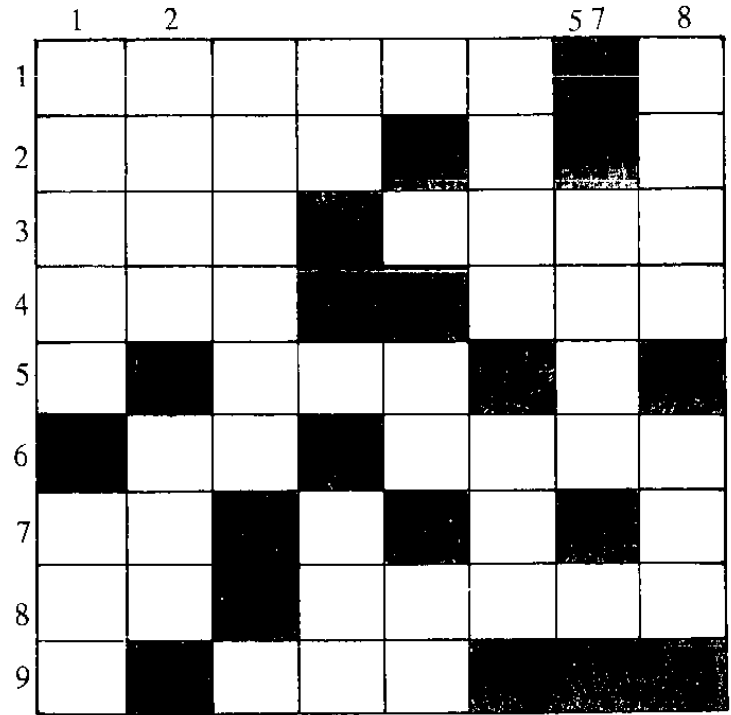
**NO. 3 Compiled by: Mr. D. Mohammadi**

**ACROSS:**

- 1 - One of the seasons of the year.
- 2 - Do You—to see your father tomorrow? No, I don't.
- 3 - You hear with it. - Not up.
- 4 - You see with it. - Past for do.
- 5 - Past tense of lead.
- 6 - First person possessive singular. - I have one brother, but he has four brothers.
- 7 - First person objective singular.
- 8 - You put it before nouns beginning with a vowel. - Past participle of eat.
- 9 - To form plural, you must —“S” to the singular noun.

**DOWN:**

- 1 - A supersonic Concorde goes faster than the — of sound. - Not woman.



- 2 - Do you ever — Football? No, I don't. - plural of man.
- 3 - One of the adverbs of frequency.
- 4 - Not out. - You usually go to— at night.
- 5 - How—you do? Thanks, I'm fine. - Short for advertisement.
- 6 - Not bad. - Not gross. Also you get fish with it.
- 7 - It is used on future sentences.
- 8 - Past tense of this verb is LENT. - Japanese money.

**Key to  
Puzzle NO. 2**



1. Using problem-solving; delineating the problem.
2. Locating additional information.
3. Reading to get additional information.
4. Selecting and organizing pertinent ideas related to problem,
5. Concluding and generation from data.
6. Preparing the presentation of the report.

- B. Choosing supplementary recreational reading related to topic to develop and extend interests, attitudes, and appreciations.
- C. Extending further understandings and clarifying further concepts as necessary.
- D. Analyzing the information and helping students to relate it to their own lives.

VI. Development of Vocabulary as Concept Formation. Vocabulary have been called labels to concepts, and it is commonly believed that concepts are basic to comprehension. An efficient reader is one who among other things can conceptualize easily and with comfort. On reader's part, development of vocabulary as concept formation requires adequate foundation of experience. The concept formation is an individual foundation of experience. The concept formation is an individual activity, which requires individual's generalization of the appropriate symbolization. A concept itself on the other hand is not easy to define, especially in view of the fact that they are not static and with reader's growth and experiences, they too develop. Concept formation through vocabulary development is referred to as indirect experiences. The larger readers' direct-real life experience, or indirect background, it will be easier for them to develop new concepts. There are other factors besides experience, which usually affect concept formation through vocabulary development. For instance culture and affective factors are important determinants of what a word will mean to a certain reader. Generally teachers only can help readers to understand the basic meaning, from which they can develop further discriminations and generalizations. It is a teacher's job to increase reader's interest by avoiding over-loading students, by using new words in meaningful context by encouraging

students to actively explore and internalize the new concepts. In developing vocabulary as concept formation it is helpful to anticipate concepts in previewing stage of a reading class. Further discussion of the concepts for instance, by comparison and defining will help the readers. The whole activity should proceed from specific and simple concepts to more complex, from known to unknown, reminding, reinforcing & building upon reader's past experience, through contextualization, demonstration, illustration, using audio-visual aid, etc.

#### VII. Four Basic Approaches to Vocabulary Development

1. Vocabulary development with direct explanation with other words; e.g. butcher: person who kills, cuts up and sells animals for food.
2. Vocabulary development through experience, actual and vicarious especially with concrete objects; e.g. pencil, door, window, desk, chair.
3. Vocabulary development by giving meaningful examples in conversations or stories & so on; e.g. An apple a day, keeps the doctor away.
4. Vocabulary development with audio-visual aids.

#### Bibliography

- Dechant. E. **Reading Improvement In The Secondary School.** 1973.
- Douglas, M.P. **Reading In Education.** 1973.
- Durkin, Dolores. **Teaching Them To Read.** 2nd edition. Boston: Allyn & Bacon, 1974.
- Finocchiaro, Mary & Michael Bonomo. **The Foreign Language Learner: A Guide For Teachers.** New York: Regents publishing Company, Inc., 1973.
- Herber, Harold, L. **Teaching Reading In Content Areas.** Englewood Cliffs, N.J. : Prentice-Hall, 1970.
- Krabbe, M.A. "Let Them All Read", **The English Record**, 26, No. 3 (Summer 1975).
- Shepherd, D.L. **Comprehensive High School Reading Methods.** 1973.



be encouraged to apply the skills learned during the first stage in the course of the next one and especially when they indulge in actual reading. In addition, it should be mentioned that because usually in directed reading lesson, the structure within a lesson is not provided, it means that students are supposed to have already reached a level of independence.

The Basic Plan:

Directed Reading-Thinking Applied to Content Fields

#### I. Preparation for reading

A. Investigating and expanding the background of student experience.

1. Finding out what the students know.
2. Noting misconceptions of the students.
3. Filling in with information to give the students as adequate background for understanding.
4. Arousing students' interest.
5. Giving them an awareness of the significance of the information.

B. Previewing the reading material.

1. Noting the basic structure of the information – the introduction summary, specific sections.
2. Discussing the title and subtitles.
3. Directing attention to the graphic aids: maps, pictures, diagrams, etc.
4. Noting study aids: specific summaries, questions, vocabulary lists.
5. Noting new vocabulary which is usually italicized in a textbook.

C. Introduce the vocabulary pertinent to the fundamental concepts

1. Clarifying basically the fundamental conceptual terms, usually one to five in number.
2. Analyzing the structure of the words, if necessary to aid word recognition.
3. Assisting students to bring their experiences to bear on the meanings of words.
4. Alerting students to the specific meaning as the word is used in the text.

D. Evolve purposes for reading.

1. Evolving purposes in terms of the student's own background and needs, those of the group, and in terms of the understandings desired from materials.
2. Helping students to think of purposes as well.

#### II. Reading the material silently

A. Noting the students' ability to adjust their reading to the purposes set up, and to the material.

B. Observing students to note specific areas of need.

1. Vocabulary: recognition of the word, specific meaning as applied to the content.
2. Comprehension: organization of data, finding answers to purposes, noting relationships within data.

#### III. Developing Comprehension

A. Discussing answers to purpose questions.

B. Clarifying and guiding further development of the concepts and vocabulary, introducing new vocabulary if needed.

C. Assisting the students in noting organization of information and in recall of pertinent facts.

D. Noting need for further information from both the text and other source materials.

E. Redefining purposes; setting new purposes for reading.

#### IV. Rereading (silent and / or oral, in part or in entirety)

A. Clarifying further the essential pertinent information and concepts.

B. Giving specific skill training in comprehension as indicated by needs of individuals and the group.

1. Seeing organization of data.
2. Interpreting data: drawing conclusions, making inferences, making generalizations, seeing interrelationships of data.
3. Evaluating: making judgments, noting author's intent, seeing the significance of the material, noting the use of language.

4. Applying information to real life situations, formulating new ideas, reorganizing old ideas.

5. Noting use of words: emotive, new meanings, contextual usage, technical terms, indefinite and general terms.

6. Setting up areas for further reading and research.

#### V. Following up the information

A. Setting up problems requiring further information.

# Teaching Reading

نظر به اهمیت تدریس خواندن، در مقاله حاضر ابتداء چهار شگرد مفید را برای تشویق و ترغیب زبان آموزان به خواندن بطور جداگانه ذکر خواهیم کرد. سپس به خواندن راهنمایی شده توسط معلم می پردازیم که یکی از انواع خواندن برای درک محتوای مطلب می باشد و اگر بطور معقول و منطقی دنبال شود، در نهایت زبان آموز را در درک محتوای مطلب موفق خواهد نمود. در این راستا نمونه طرح بنیادی خواندن راهنمایی شده را ارائه خواهیم نمود. پس از آن به تدریس واژگان با تأکید به یادگیری مفاهیم می پردازیم و بالاخره با توجه به اهمیت یادگیری واژگان در تسهیل امر خواندن چهار شگرد دیگر را نیز برای تدریس واژه های جدید به معلمان علاقمند پیشنهاد خواهیم نمود.

Ismail Faghih Ph.D.  
Alzahra University

Teaching reading deserves special attention because in a sense it is one of the major responsibilities of our teachers. In order to help our teachers meet this demanding task, (the present article will deal with different aspects of teaching reading in the following manner.)

First, four practical techniques for motivating students to read are given. Next, the Directed Reading-thinking applied to reading for content, is defined. In this regard the basic plan of this type of reading is given in somewhat relative detail. In addition, due to the significance of vocabulary in reading comprehension, development of vocabulary as concept formation is dealt with. Finally, four more basic approaches to vocabulary development are mentioned.

## A. Four Techniques for Motivating Students To Read

1. Students should be encouraged to read every day, not for a long span of time, of course, as opposed to just setting aside one day of a week for reading activity.
2. Students should be encouraged to discuss what they have read. The exchange of ideas and opinions will encourage them to do more reading.

3. (A well-read teacher who is familiar with students, should give guidance as to what supplementary material the students should read, on the basis of students' interest, need and ability. Naturally, to the extent possible, the teacher must not only make different reading material available, but also, he must be familiar with those books.)

4. Students should be given the greatest possible amount of freedom in selecting their supplementary reading material, depending on their individual interests and tastes, guided by the teacher.)

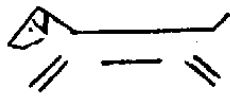
## B. Directed Reading Lesson

It principally originated from a need for the development of a reading lesson from a textbook. The idea behind this practice is mainly to indulge students in systematically arranged procedures which will enable them to proceed step by step in an ascending order of difficulty in their reading activities. The number of components of directed reading lessons vary slightly, depending on how and to what extent the teachers intend to follow the plan. However, what is important to remember is that different steps are dependent upon each other and should be followed in the order suggested here. For example, students will

3. Animals:



cat



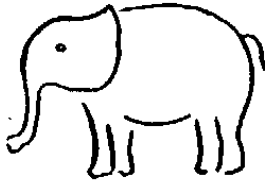
dog



sheep



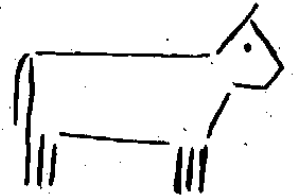
rabbit



elephant



fish



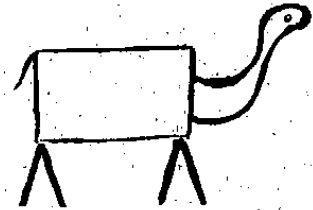
cow



goat



bear

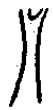


camel

4. Birds



5. Trees



6. Bike



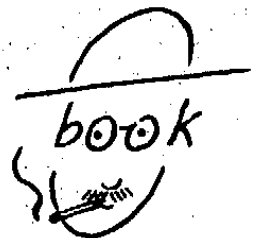
7. Word playing

cook

cook



book





## HOW to Benefit our Talents:

بهره‌جویی از تواناییها و استعدادهاى بالقوه هنرى که در هر معلمى مى‌تواند وجود داشته باشد در کلاس‌هاى آموزش زبان مؤثر خواهد بود.  
مقاله زیر کوششى است برای آشنایی خوانندگان با مطلب فوق.

S.Assefzadeh

Teaching a foreign language is something more than a profession, in a wider sense it is an art.

It was about three years ago at a seminar in Ghezvin (summer of 1963), where I presented a conference on "present continuous tense." To motivate the situation I used stick figures. Thenafter the next session of the same seminar Dr. Soheili offered me to teach my colleagues some fundamentals of simple drawings and stick figures.

You might have probably been faced with either the difficulties of English to English describing or explaining a word, especially a new word, or how to motivate your students. For the better transmission of concepts and motivating the situation a teacher may benefit his or her attitudes and talents. For example a teacher having the talent of playing may incarnate the gestures or personalities which exist in a text, or, a teacher who

has worked in painting or sketching can easily depict the meanings of words through drawing simple pictures on the board. As a personal experience, for both motivation and implication, I have frequently used stick figures and simple drawings in my English classes. Using stick figures is not an innovation, it has been used in many text books, but rarely by a teacher. Here, briefly I present how we can draw simple figures.

1. To depict a human body, these elements are used: — | / ○

Then they are combined to make up the body and the varieties of gestures:



Lying



Sitting



Running



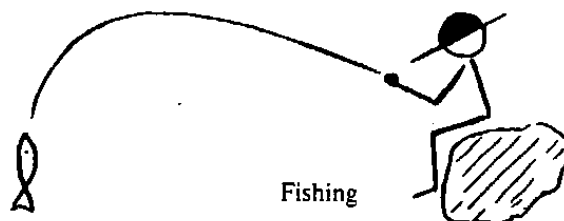
Walking



Standing

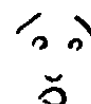


Playing



Fishing

2. Facial movements:



دانش آموزی که دارای اختلال در خواندن باشد براحتی در این طبقه بندی جای می گیرد. گاهی ممکن است اختلال در خواندن دانش آموز در نتیجه تلفیقی از عوامل یاد شده در بالا باشد. چه بسا عدم موفقیت بعضی از دانش آموزان شما در خواندن زبان خارجی به سبب فقر خانوادگی و دیگر محرومیت های محیطی باشد. اصولاً چند درصد از دانش آموزان شما در خواندن زبان خارجی دارای مشکلات جدی و اساسی هستند؟ آیا هیچ رابطه ای بین عدم موفقیت آنها در خواندن زبان خارجی و عوامل فردی یا محیطی یاد شده می توان یافت؟ آیا این قبیل دانش آموزان در خواندن و نوشتن زبان مادری نیز دچار مشکلاتی هستند؟ در شماره آینده بحث نقش عوامل فردی و محیطی را در اختلال در خواندن ادامه خواهیم داد.

اقتصادی تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. اما عوامل درونی یا فردی از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است و صرفاً جنبه فردی دارد. این عوامل مجموعه توانایی های هر فرد را که تحت تأثیر خصوصیات عضوی و یا ژنتیکی است در بر می گیرد در مجموع این عوامل به عوامل فرهنگی و اقتصادی مربوط نیستند و ناشی از این قبیل عوامل هم نیستند، ولی ممکن است با عوامل محیطی تلاقی داشته باشند، در اینجا لازم به یادآوری است که گرچه عوامل مربوط به اختلال در خواندن گوناگون هستند، ولی ممکن است در مقاطع مختلف یادگیری زبان با یکدیگر تلاقی یا تداخل کنند. برای مثال، کودکی که در سالهای اول مدرسه به دلیل در خواندن دچار مشکل می شود، به احتمال زیاد در برخورد با مهارت خواندن عکس العمل های منفی و گاه نفرت انگیز خواهد داشت. البته باید یادآور شد که تهیه فهرست عوامل اختلال در خواندن به این معنی نیست که هر

۱ - محرومیت های عاطفی کودک برای برقرار کردن ارتباط با دیگران  
 ۲ - محرومیت های فرهنگی با آموزشی  
 ۳ - اختلالات جزئی در عملکرد مغز  
 ۴ - خصوصیات ژنتیکی کودک  
 عوامل چهارگانه بالا را در دو گروه کلی تر بنام عوامل فردی و اجتماعی و یا عوامل درونی و بیرونی نیز میتوان طبقه بندی کرد. تمایز بین عوامل اختلال در خواندن از آن جهت دارای اهمیت است که توجه داشته باشیم اختلال در خواندن را نباید فقط به یک دسته از عوامل از قبیل فرهنگی، آموزشی و یا عوامل فیزیکی نسبت داد. عوامل بیرونی یا محیطی عمدتاً از کنترل فرد خارج است و بیشتر به محیط خانوادگی، کیفیت آموزش و شرایط عمومی و فرهنگی مربوط می شود. البته گاهی پاره ای از این عوامل همه افراد یا گروه های جامعه را به یک نسبت در بر نمی گیرد و پاره ای از آنها بین گروه های مختلف فرهنگی و

## اطلاعه

در باره نشریات رشد آموزش تخصصی

مجلات رشد آموزش مواد درسی مدارس کشور نشریاتی است که از سوی گروه های درسی دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش هر سه ماه یکبار - چهار شماره در سال - منتشر می شود.

این نشریات در حال حاضر عبارتند از:

- |                     |                          |                            |
|---------------------|--------------------------|----------------------------|
| ۱ - رشد آموزش ریاضی | ۴ - رشد آموزش شیمی       | ۷ - رشد آموزش جغرافیا      |
| ۲ - رشد آموزش زبان  | ۵ - رشد آموزش زمین شناسی | ۸ - رشد آموزش زیست شناسی   |
| ۳ - رشد آموزش فیزیک | ۶ - رشد آموزش ادب فارسی  | ۹ - رشد آموزش معارف اسلامی |

هدف از انتشار این نشریات در وهله اول ارتقاء سطح معلومات معلمان و در مرحله بعد ایجاد ارتباط متقابل میان معلمان هر رشته و دفتر تحقیقات به منظور تبادل تجارب و مطالب جنبی و مفید درسی است.

دیران، دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر علاقه مندان به اشتراک این مجلات می توانند جهت اشتراک هر چهار شماره از یک مجله در سال مبلغ ۴۰۰ ریال به حساب ۹۲۹ خزانه بانک مرکزی - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی - واریز و فیش آن را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی تهران، جاده آبدلی، خیابان سازمان آب بیست تری خورشید مرکز توزیع انتشارات سازمان پژوهش کد پستی ۱۶۵۹۸ - تلفن ۷۸۵۱۱۰

توجه، دانشجویان مراکز تربیت معلم می توانند با ارسال فتوکپی کارت تحصیلی از ۵۰٪ تخفیف برخوردار شوند.

فرم اشتراک مجلات رشد تخصصی

اینجانب  با ارسال فیش واریز مبلغ ۴۰۰ ریال، متقاضی اشتراک یکساله مجله رشد آموزش  هستم.

نشانی دقیق متقاضی:

استان

شهرستان

خیابان

# **Roshd**

## **Foreign Language Teaching Journal**

**Roshd Foreign Language Teaching Journal (FLTJ) is published four times a year under the auspices of the Organization of Research & Educational Planning, Ministry of Education, Iran.**

### **Contribution to Roshd FLTJ:**

**The Editorial Board welcomes previously unpublished articles on foreign language teaching/ learning, particularly those based upon experiences gained from and/or researches done at Iranian schools.**

### **Manuscripts:**

**If you intend to submit an article for publication, please send three type-written copies of your manuscript together with three copies of its abstract to:**

**P. O. Box 15874  
English Language  
Department  
Iranshahr Shomali  
Building No. 4**

**A manuscript in Farsi is to be accompanied with an English abstract, and if in English, French, or German with a Farsi abstract.**

**The opinions expressed in Roshd FLTJ are the contributors' and not necessarily those of the Ministry of Education or the Editorial Board.**

ROSHD

# Foreign Language Teaching Journal

volume 3/2

